

# تفسیر درستی کلام خدا

سی آی اسکافیلد



# تقسیم درست کلام خدا

سی آی اسکافیلد

۵	.....	مقدمه	۰
۶	.....	یهودیان، امّتها و کلیسای خدا	۱
۱۵	.....	هفت دوره	۲
۱۹	.....	دو بازگشت	۳
۳۱	.....	دو قیام	۴
۳۴	.....	پنچ داوری	۵
۴۱	.....	شریعت و فیض	۶
۵۴	.....	طبیعت دوگانه ایمانداران	۷
۶۰	.....	دیدگاه و نگرش ایمانداران	۸
۶۹	.....	نجات و پاداش	۹
۷۳	.....	ایماندارن و اساتید	۱۰



## ۰. مقدمه

در دوم تیموتائوس ۲ ایمانداران با هفت مشخصه نشان داده می‌شوند:

۱. فرزند
۲. سرباز
۳. ورزشکار
۴. شوهر
۵. کارگر
۶. ابزار
۷. خادم

هرکدام از این خصوصیات با تشویق‌های همراه شده‌اند. به عنوان فرزند، تیموتائوس تشویق می‌شود که در فیص او قوی باشیم. چرا که فیص با فرزند بودن خدا بستگی دارد؛ در حالکی برحسب تعلیم غلاطیان، شریعت بیشتر به بندگی و اجبار دلالت دارد. به عنوان سرباز او تشویق می‌شود که در سختی‌ها مقاومت نماید و خود را در امور دنیا گرفتار مسازد که این خود نشان از سرباز بودن است. به عنوان ابزار، او باید پاک و جدا شده باشد؛ و به عنوان خادم باید ملایم، صبور و فروتن باشد. در نهایت هرکدام از این خصوصیات دال بر مسیحی بودنش می‌باشند.

در دوم تیموتائوس ۲: ۱۵ به او گفته می‌شود که به عنوان یک کارگر چه خصوصیتی باید داشته باشد: «منتهای کوشش خود را بکن تا مانند کارگری که از کار خود خجل نیست و پیام حقیقت را بدرستی تعلیم می‌دهد در نظر خدا کاملاً مورد پسند باشی».

پس کلام راستی باید بخشهای درستی نیز داشته باشد؛ و باید آنقدر مشخص و صحیح تعلیم داده شود که کارگر خدا که از کار خود خجل نشود. بدون در نظر گرفتن تقسیم بندی درست کلام، تعلیمات آن می‌توانند گاهی گیج کننده و بی منفعت باشند. مسیحیان بسیاری

اعتراف می‌کنند که مطالعه کلام کار دشواری است؛ اما این می‌تواند اعتراف بسیاری باشد که از ترس شرمندگی، آنرا را بروز نمی‌دهند. هدف از نگارش این مقاله نشان دادن اهمیت تقسیم بندی درست کلام خدا است. و این امر بدون مطالعه دقیق کلام خدا میسر نمی‌باشد. اما این اعتقاد وجود دارد که آنچه در کلام خدا مطرح شده است به قدر کافی واضح و بسنده است که حتی ذهن انسان معمولی نیز بتواند متوجه زیبایی آن شده بدون اینکه دچار سردرگمی شود. به دانشجویان محترم توصیه می‌شود که این آموزه را نه بر حسب اقتدار این کتاب بلکه بر اساس تفتیش‌ها و جستجوهای خود بمانند اهالی بیریه (اعمال ۱۷: ۱۱). بپذیرند. هیچ ادعایی انسانی قابل پذیرش نیست. «و اما در شما آن مسیح که از او یافته اید ثابت است و حاجت ندارید که کسی شما را تعلیم دهد بلکه چنانکه خود آن مسح شما را از همه چیز تعلیم می‌دهد و حق است و دروغ نیست، پس بطوری که شما را تعلیم داد در او ثابت می‌ماند» (اول یوحنا ۲: ۲۷).

## ۱. یهودیان، امتها و کلیسای خدا

یهودیان و یونانیان و کلیسای خدا را لغزش مدهید (اول قرن‌تین ۱۰: ۳۲) هرکس که با هر منظوری کتاب مقدس را مورد مطالعه قرار دهد؛ متوجه می‌شود که نصف تمام مطالب آن مربوط به قوم اسرائیل است و این قوم در مشیت و مشورت الهی، جایگاه خاصی دارد. خداوند یهوه آنها را از همه ابنای بشر جدا نمود تا با آنها عهدی بنا نماید؛ و به آنها وعده‌های خاص می‌دهد که به هیچ ملت دیگری داده نمی‌شود. تاریخی که در عهد عتیق بیان می‌شود بیشتر بیانگر شرایط قوم خدا و پیشگویی‌های خاص و منحصر برای آنها است و به ملت‌های دیگر تا اندازه ای پرداخته می‌شود که با اسرائیل در ارتباط هستند. و اینطور

به نظر می‌رسد که اکثر مکالمات خداوند با قوم اسرائیل بیشتر مربوط به زمین می‌شود. اگر قوم امین بوده و اطاعت نماید از قدرت و ثروت زمینی برخوردار خواهد بود؛ و در صورت بی وفایی و ناطاعتی؛ «خداوند تو را در میان جمیع امت‌ها از کران زمین تا کران دیگرش پراکنده سازد و در آنجا خدایان غیر را از چوب و سنگ که تو و پدرانت نشناخته‌اید، عبادت خواهی کرد» (تثنیه ۲۸: ۶۴). و وعده مسیح برای همه ملت‌های زمین است.

همانطور که به مطالعه خود ادامه می‌دهیم با پدیده خاص دیگری مواجه می‌شویم که بدن یا کلیسا نام دارد. این بدن نیز رابطه خاصی با خدا داشته و مانند قوم اسرائیل وعده‌های خاصی را دریافت نموده است. اما مشابهت به اسرائیل به همین جا ختم می‌شود؛ و تفاوت‌های فاحش پدیدار می‌گردند. برای مثال، دیگر صرف از نسل ابراهیم بودن از میان برداشته شده و در کلیسا یهودیان و امتها در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. در این حالت، رابطه از صرف عهد خارج شده بیشتر به تولد شباهت پیدا می‌کند؛ و کلیسا در عوض اطاعت خود تنها با برکات زمینی و ثروت و غیره برخوردار نشده بلکه مورد تنفر و جفا قرار می‌گیرد. کلیسا دستور دارد که به غذا و لباسی که دارد قانع باشد و بر عکس اسرائیل باید بطور موقتی با امور زمینی برخورد داشته باشد و بیشتر به امور آسمانی و روحانی مرتبط است.

کتاب مقدس نشان می‌دهد که کلیسا و اسرائیل همیشه وجود نداشته‌اند؛ برای هر یک آغازی در کلام وجود دارد. آغاز اسرائیل از دعوت ابراهیم است. اما آغاز کلیسا که مفهوم عمیق آنرا بیشتر به آینده می‌تواند مرتبط باشد که عیسی می‌گوید: «بر این صخره کلیسای خود را بنا خواهم نمود» (متی ۱۶: ۱۸).

همچنین می‌توان از افسسیان ۳: ۵-۱۰ چنین استنباط می‌شود که واژه کلیسا در پیشگویی‌های عهد عتیق بیان نشده است، که بیشتر به شکل رازی مخفی در خداوند محسوب می‌شده اما تولد آنرا در اعمال

باب ۲ می‌توان یافت و خاتمه وظیفه زمینی آنرا در اول تسالونیکیان می‌توان یافت.

تفاوت قومی دیگری که می‌توان در کتاب مقدس یافا بیشتر به امتها و یهودیان یا اسرائیل و کلیسا وجود دارد را می‌توان در آیات زیر پیدا نمود: یهود (رومیان ۹: ۴-۵؛ یوحنا ۴: ۲۲؛ رومیان ۳: ۱-۲).؛ امتها (افسیسیان ۲: ۱۱؛ افسسیسیان ۴: ۱۷-۱۸؛ مرقس ۷: ۲۷-۲۸).؛ کلیسا (افسیسیان ۱: ۲۲-۲۳؛ افسسیسیان ۵: ۲۹-۳۳؛ اول پطرس ۲: ۹).

با توجه به آنچه کتاب مقدس راجع به اسرائیل و کلیسا بیان می‌دارد متوجه می‌شویم که منشع، دعوت و عبادت مراسم و وعده‌ها و آینده هر دو با یکدیگر را می‌توان به نوعی مقایسه نمود.

### اسرائیل

و خداوند به ابرام گفت: «از ولایت خود، و از مولد خویش و از خانه پدر خود بسوی زمینی که به تو نشان دهم بیرون شو» (پیدایش ۱: ۱۲).

زیرا که یهوه خدایت تو را به زمین نیکو درمی‌آورد؛ زمین پر از نهرهای آب و از چشمه‌ها و دریاچه‌ها که از دره‌ها و کوهها جاری می‌شود. زمینی که پر از گندم و جو و مویز و انجیر و انار باشد، زمینی که پر از زیتون زیت و عسل است. زمینی که در آن نان را به تنگی نخواهی خورد، و در آن محتاج به هیچ چیز نخواهی شد؛ زمینی که سنگهایش آهن است، و از کوههایش مس خواهی کند (تثنیه ۸: ۷-۹).

گفت: «من خادم ابراهیم هستم. و خداوند، آقای مرا بسیار برکت داده و او بزرگ شده است، و گله‌ها و رمه‌ها و نقره و طلا و غلامان و کنیزان و شتران و الاغان بدو داده است (پیدایش ۳۵: ۲۴).

و خداوند تو را سر خواهد ساخت نه دم، و بلند خواهی بود فقط نه پست، اگر اوامر یهوه خدای خود را که من امروز به تو امر می‌فرمایم بشنوی، و آنها را نگاه داشته، بجا آوری (تثنیه ۲۸: ۱۳).



## کلیسا

بنابراین، ای برادران مقدّس که در دعوت سماوی شریک هستید، در رسول و رئیس کهنه اعتراف ما یعنی عیسی تأمل کنید (عبرانیان ۳: ۱). اما وطن ما در آسمان است که از آنجا نیز نجات دهنده یعنی عیسی مسیح خداوند را انتظار می‌کشیم (فیلیپیان ۳: ۲۰).

عیسی بدو گفت: «روباهان را سوراخ‌ها و مرغان هوا را آشیانه‌ها است. لیکن پسر انسان را جای سرنهاندن نیست» (متی ۸: ۲۰).  
بجهت میراث بی فساد و بی آلایش و ناپژمرده که نگاه داشته شده است در آسمان برای شما (اول پطرس ۱: ۴).

تا به همین ساعت گرسنه و تشنه و عریان و کوبیده و آواره هستیم (اول قرنتیان ۴: ۱۱).

آنگاه عیسی گرداگرد خود را نگریسته، به شاگردان خود گفت: «چه دشوار است که توانگران داخل ملکوت خدا شوند» (مرقس ۱۰: ۲۳).  
ای برادران عزیز، گوش دهید. آیا خدا فقیران این جهان را برنگزیده است تا دولت‌مند در ایمان و وارث آن ملکوتی که به محبّان خود فرموده است بشوند؟ (یعقوب ۲: ۵).

شما را از کنایس بیرون خواهند نمود؛ بلکه ساعتی می‌آید که هر که شما را بکشد، گمان برَد که خدا را خدمت می‌کند (یوحنا ۱۶: ۲).  
پس هر که مثل این بچه کوچک خود را فروتن سازد، همان در ملکوت آسمان بزرگتر است (متی ۱۸: ۴).

البته که یهودیان ایماندار به آسمان می‌روند. تفاوت بیشتر به برکات زمینی و آسمانی می‌شود. نباید گفت که در ایمان آوردن به عیسی مسیح یوحنا ۳: ۳ و ۱۶؛ همچنین در تعمید یافتن در بدن مسیح که همانا کلیسا است (افسیسیان ۱: ۲۲-۲۳). تفاوتی وجود دارد. در کلیسا، تفاوت یهود و امتها از میان رفته است (اول قرنتیان ۱۲: ۱۳؛ غلاطیان ۳: ۲۸؛ افسسیان ۲: ۱۴؛ از این جهت است که پولس رسول در رساله خود به افسسیان به گونه‌ای می‌نویسد که شما قبل جزو

امتها محسوب می‌شدید). تفاوت کلیسا و امتها بیشتر به قوانین و مراسم آنها مربوط می‌شود.

### اسرائیل

چون یهوه، خدایت، تو را به زمینی که برای تصرفش به آنجا می‌روی در آورد، و امتهای بسیار را که حَتیان و جَرْجاشیان و اموریان و کنعانیان و فرزیان و حویان و یبُوسیان، هفت امت بزرگتر و عظیم‌تر از تو باشند، از پیش تو اخراج نماید. و چون یهوه خدایت، ایشان را به دست تو تسلیم نماید، و تو ایشان را مغلوب سازی، آنگاه ایشان را بالکل هلاک کن، و با ایشان عهد مبند و بر ایشان ترحم منما (تثنیه ۷: ۱-۲).

و چشم به عوض چشم، و دندان به عوض دندان، و دست به عوض دست، و پا به عوض پا، و داغ به عوض داغ، و زخم به عوض زخم، و لطمه به عوض لطمه (خروج ۲۱: ۲۴-۲۵).

### کلیسا

اما من به شما می‌گویم که دشمنان خود را محبت نمایند و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند، احسان کنید و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند، دعای خیر کنید، (متی ۵: ۴۴).

و به دستهای خود کار کرده، مشقت می‌کشیم و دشنام شنیده، برکت می‌طلبیم و مظلوم گردیده، صبر می‌کنیم. چون افترا بر ما می‌زنند، نصیحت می‌کنیم و مثل قاذورات دنیا و فضلات همه چیز شده ایم تا به حال (اول قرنتیان ۴: ۱۲-۱۳).

لیکن من به شما می‌گویم، با شریر مقاومت مکنید بلکه هر که بر رخساره راست تو طپانچه زند، دیگری را نیز به سوی او بگردان (متی ۵: ۳۹).

لطفاً تثنیه ۲۱: ۱۸-۲۱ و لوقا ۱۵: ۲۰-۲۳ را ملاحظه نماید. در نحوه عبادت هر دو نیز می‌توان مقایسه‌ای را به انجام رسانید، در اسرائیل قوم فقط با نزدیک شدن کاهن اعظم می‌تواند به حضور خدا نزدیک شود؛ در حالی که کلیسا هرگاه دو یا سه نفر به نام آن عیسی مسیح متفق شوند می‌توانند به قدس الاقداس خدا داخل شوند. لایویان ۱۷: ۸-۹ را با ۱۸: ۲۰ مقایسه کنید، لوقا ۱: ۱۰ را با عبرانیان ۱۰: ۱۹-۲۰ مقایسه کنید؛ اعداد ۳: ۱۰ را با اول پطرس ۲: ۵ مقایسه کنید.

در ارتباط با آینده اسرائیل و کلیسا تفاوت آشکار تر می‌باشد. کلیسا تماماً از روی زمین برداشته می‌شود. در حالی که اسرائیل بر زمین با قدرت بیشتری مستقر خواهد شد

### اسرائیل

و اینک حامله شده، پسری خواهی زایید و او را عیسی خواهی نامید. او بزرگ خواهد بود و به پسر حضرت اعلی، مسّی شود، و خداوند خدا تخت پدرش داود را بدو عطا خواهد فرمود. و او بر خاندان یعقوب تا به ابد پادشاهی خواهد کرد و سلطنت او را نهایت نخواهد بود (لوقا ۱: ۳۳) - (از این ۷ وعده‌ای که به مریم داده شد؛ ۵ مورد دقیقاً تحقق یافته‌اند؛ با چه روش تفسیری می‌توانیم ادعا کنیم که دو مورد دیگر سمبلیک می‌باشند).

«شمعون بیان کرده است که چگونه خدا اوّل امت‌ها را تفقّد نمود تا قومی از ایشان به نام خود بگیرد. و کلام انبیا در این مطابق است چنانکه مکتوب است که بعد از این رجوع نموده، خیمه داود را که افتاده است باز بنا می‌کنم و خرابیهای آن را باز بنا می‌کنم و آن را برپا خواهم کرد» (اعمال رسولان ۱۵: ۱۴-۱۶).

«پس می‌گویم آیا خدا قوم خود را ردّ کرد؟ حاشا! زیرا که من نیز اسرائیلی از اولاد ابراهیم از سبط بنیامین هستم.. پس می‌گویم آیا

لغزش خوردند تا بیفتند؟ حاشا! بلکه از لغزش ایشان نجات به امت ها رسید تا در ایشان غیرت پدید آورد. زیرا اگر تو از زیتون طبیعی برّی بریده شده، برخلاف طبع به زیتون نیکو پیوند گشتی، به چند مرتبه زیادت‌ر آنانی که طبیعی اند در زیتون خویش پیوند خواهند شد.. زیرا ای برادران نمی‌خواهم شما از این سرّ بی‌خبر باشید که مبادا خود را دانا انگارید که مادامی که پری امت ها درنیاید، سختدلی بر بعضی از اسرائیل طاری گشته است. و همچنین همگی اسرائیل نجات خواهند یافت، چنانکه مکتوب است که از صیهون نجات دهنده ای ظاهر خواهد شد و بی دینی را از یعقوب خواهد برداشت» (رومیان ۱۱:۱۰).

و در آن روز واقع خواهد گشت که خداوند بار دیگر دست خود را دراز کند تا بقیه قوم خویش را که از آشور و مصر و فتروس و حبش و عیلام و شنعار و حمات و از جزیره های دریا باقی مانده باشند بازآورد. به جهت امت ها علمّی برافراشته، رانده شدگان اسرائیل را جمع خواهد کرد، و پراکندگان یهودا را از چهار طرف جهان فراهم خواهد آورد (اشعیا ۱۱:۱۱-۱۲).

«زیرا خداوند بر یعقوب ترحم فرموده، اسرائیل را بار دیگر خواهد برگزید و ایشان را در زمینشان آرامی خواهد داد. و غربا با ایشان ملحق شده، با خاندان یعقوب ملصق خواهند گردید» (اشعیا ۱۴:۱).  
«بنابراین خداوند می‌گوید: اینک ایامی می‌آید که بار دیگر گفته نخواهد شد قسم به حیات یهوه که بنی اسرائیل را از زمین مصر بیرون آورد. بلکه قسم به حیات یهوه که بنی اسرائیل را از زمین شمال و همه زمینهایی که ایشان را به آنها رانده بود برآورد. زیرا من ایشان را به زمینی که به پدران ایشان داده ام باز خواهم آورد» (ارمیا ۱۶:۱۴-۱۵).

«خداوند می‌گوید: اینک ایامی می‌آید که شاخه ای عادل برای داود برپا می‌کنم و پادشاهی سلطنت نموده، به فطانت رفتار خواهد کرد و

انصاف و عدالت را در زمین مُجرا خواهد داشت.»  
«در ایام وی یهودا نجات خواهد یافت و اسرائیل با امنیت ساکن خواهد شد و اسمی که به آن نامیده می شود این است: یهوه صدقینو (یهوه عدالت ما)» (ارمیا ۲۳: ۵-۶).

«اینک من ایشان را از همه زمینهایی که ایشان را در خشم و حدّت و غضب عظیم خود رانده ام جمع خواهم کرد و ایشان را به این مکان باز آورده، به اطمینان ساکن خواهم گردانید. و ایشان قوم من خواهند بود و من خدای ایشان خواهم بود» (ارمیا ۳۲: ۳۸).

«ای دختر صهیون ترنّم نما! ای اسرائیل آواز شادمانی بده! ای دختر اورشلیم به تمامی دل شادمان شو و وجد نما! خداوند عقوبت های تو را برداشته و دشمنانت را دور کرده است. یهوه پادشاه اسرائیل در میان تو است پس بار دیگر بلا را نخواهی دید» (صفینا ۳: ۱۴-۱۵).

## کلیسا

«درخانه پدر من منزل بسیار است و الاّ به شما می گفتم. می روم تا برای شما مکانی حاضر کنم، و اگر بروم و از برای شما مکانی حاضر کنم، باز می آیم و شما را برداشته با خود خواهم برد تا جایی که من می باشم شما نیز باشید» (یوحنا ۱۴: ۲-۳).

زیرا این را به شما از کلام خدا می گوئیم که ما که زنده و تا آمدن خداوند باقی باشیم، بر خوابیدگان سبقت نخواهیم جست. زیرا خود خداوند با صدا و با آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد و مردگان در مسیح اوّل خواهند برخاست. آنگاه ما که زنده و باقی باشیم، با ایشان در ابرها ر بوده خواهیم شد تا خداوند را در هوا استقبال کنیم و همچنین همیشه با خداوند خواهیم بود (اول تسالونیکی ۴: ۱۵-۱۷).

«اما وطن ما در آسمان است که از آنجا نیز نجات دهنده یعنی عیسی مسیح خداوند را انتظار می کشیم، که شکل جسد ذلیل ما را تبدیل

خواهد نمود تا به صورت جسد مجید او مصوّر شود، برحسب عمل قوّت خود که همه چیز را مطیع خود بگرداند» (فیلیپیان ۳: ۲۰-۲۱).

«یعنی در هر چه دلّ ما، ما را مذمّت می کند، زیرا خدا از دل ما بزرگتر است و هر چیز را می داند» (اول یوحنا ۳: ۲۰).

«شادی و وجد نماییم و او را تمجید کنیم زیرا که نکاح برّه رسیده است و عروس او خود را حاضر ساخته است. و به او داده شد که به کتان پاک و روشن خود را بپوشاند»، زیرا که آن کتان عدالت‌های مقدّسین است. و مرا گفت: «بنویس: خوشابحال آنانی که به بزم نکاح برّه دعوت شده اند». و نیز مرا گفت که «این است کلام راست خدا» (مکاشفه ۱۹: ۷-۹).

خوشحال و مقدّس است کسی که از قیامت اول قسمتی دارد. بر اینها موت ثانی تسلّط ندارد بلکه کاهنان خدا و مسیح خواهند بود و هزار سال با او سلطنت خواهند کرد (مکاشفه ۲۰: ۶).

متأسفانه عملکرد کنونی کلیسا باعث شده است که از مأموریت اصلی خود باز بماند؛ و روحانیت خود را به دلایل مختلفی از دست بدهد. به جای اینکه بر مبنای پیروی از دعوت خداوند خویش از دنیای پیرامون خود جدا شود بیشتر به مبانی یهودی گری روی می آورد تا سکونت خود در این دنیای فانی را توجیح نماید. روی آوردن به تشریفات و ثروت گرایی و شقاق‌ها و جدایی‌های کلیسایی، بروز اختلافاتی که فقط باعث از میان رفتن روحیه برادری و پدید آمدن کشیشان بالادست و مردم پایین دست، همگی گواه بر انحراف بزرگ کلیسا دارند.

**۲. هفت دوره**

کتاب مقدس زمانها را (یعنی از زمان آدم تا «آسمان و زمینی جدید») در مکاشفه ۲۱: ۱). به هفت دوره مشخص و نابرابر تقسیم می نماید که این بازه های زمانی را دوره (افسیان ۳: ۲). خطاب می نماید، اگر چه آنها را سالها نیز خطاب می نماید (افسیان ۲: ۷). یا روزها به مانند در عبارت «روز خداوند» بکار رفته شده است.

این دورها با توجه به نحوه برخورد خدا با انسان تفاوت می نمایند که بیشتر نسبت به این دو سؤال مهم تأیین می شوند: گناه و مسئولیت انسان. هرکدام از این دورها می توانند به منزله آزمونی برای انسان طبیعی محسوب شوند که طبعاً عواقبی را نیز به همراه دارند. پنج مورد از این دورها به اتمام رسیده اند و ما اکنون در دوره ششم زندگی می نماییم که شاید به انتهای آن نیز نزدیک شده ایم؛ که دوره هفتم یعنی آخرین دوره که حکومت هزار ساله است را در پیش داریم.

**۲. ۱ انسان بی گناه**

این دوره از آفرینش آدم در آفرینش ۲: ۷ آغاز شده و با اخراج او از باغ عدن پایان می یابد. آدم بی گناه آفریده شده بود و خوبی و بدی را نمی شناخت. و به همراه همسرش هوا در باغ عدن گذاشته شده بود؛ البته تحت این مسئولیت قرار داشت که از میوه درخت معرفت نیک و بد نخورد. دوره بی گناه منتهی به گناه آدم شد که نتایج ویرانگری را نیز در بر داشت و با داوری به پایان رسید و آنها از باغ اخراج گردیدند (پیدایش ۱: ۲۶؛ پیدایش ۲: ۱۶-۱۷؛ پیدایش ۳: ۶ پیدایش ۳: ۲۲-۲۴).

**۲. ۲ انسان تحت تأثیر وجدان**

آدم و هوا با گناه خود به نژاد عالم نیک و بد بدل شدند. این مسئله باعث شد که وجدان و مبنایی برای داوری اخلاقی با معیار نیک و

بد بوجود آید، بنابراین انسان مسئولیت انجام اعمال شریانه یا اعمال خوب را بر عهده گرفت. نتیجه دوران وجدان که از باغ عدن آغاز و به طوفان نوح ختم می شد چیزی جز شرارت و قاسد انسان نبود و هر تفکر آدمی محض شرارت بود که خدا با داوری طوفان به آن پایان داد (پیدایش ۳: ۷ و ۲۲؛ پیدایش ۶: ۵ و ۱۱-۱۲؛ پیدایش ۷: ۱۱-۱۲ و ۲۳ را ملاحظه نمایید).

### ۲. ۳ انسان بر زمین حکومت می نماید

از میان طوفان سهمگین خداوند ۸ نفر نجات داد تا بعد از فروکش کردن آب، انسانهای برای حکومت کردن بر زمین پاک شده از شرارت وجود داشته باشند. نوح و فرزندان و نسل او این مسئولیت را بر عهده داشتند. این دوره نیز با شرارت آشکار شینار مبنی بر مستقل شدن از خداوند و نهایتاً داوری متفرق شدن زبانها به پایان می رسد (پیدایش ۹: ۱ و ۲؛ پیدایش ۱۱: ۱-۴؛ پیدایش ۱۱: ۵-۸).

### ۲. ۴ انسان تحت وعده

از میان نژاد های پراکنده شده برج بابل خداوند مردی به نام ابراهیم را فراخواند تا با او عهدی ببندد. بعضی از وعده های که ابراهیم و نسل او داده شد بسیار با ارزش و بی دون شرط بودند. بعضی از آنها تحقق یافته یا خواهند یافت. مابقی وعده ها شرطی بوده و منوط به اطاعت اسراییل می باشد. که همه این شرایط توسط قوم شکسته شد و به شکست اسراییل و داوری بندگی در مصر ختم شد.

کتاب پیدایش که با عبارت «در ابتدا خدا زمین و آسمان را آفرید» آغاز می شود با عبارت «تابوت در مصر» پایان می یابد (پیدایش ۱۲: ۱-۳؛ پیدایش ۱۳: ۱۴-۱۷؛ پیدایش ۱۵: ۵؛ پیدایش ۲۶: ۳؛ پیدایش ۲۸: ۱۲-۱۳؛ خروج ۱: ۱۳-۱۴).



## ۲.۵ انسان تحت شریعت

دوباره فیض خدا به کمک انسان بی نوا می آید و قوم برگزیده خود را از دست جبّاران نجات می بخشد. او در صحرای سینا به آنها عهد شریعت را عطا می نماید. قوم به جای اینکه با فروتنی فیض خدا را جستجو نمایند با غرور ادعا نمودند که آنچه خداوند امر نماید انجام می دهیم. تاریخ اسرائیل چه در بیابان و چه در سرزمین خود مملو از شکستن فرامین الهی است و بعد از هشدارهای بسیار خداوند این آزمون انسان را با داوری خاتمه داد. ابتدا اسرائیل و بعد یهودا همگی به اسارت رفتند که هم اکنون نیز ادامه دارد. اما بقیتهی تحت فرماندهی عزرا و نحμία بازگشتند. البته هم یهودیان و هم امتهای عیسی مسیح را در شریعت از زن بدنیا آمد را مصلوب نمودند (خروج ۱۹: ۱-۸؛ دوم پادشاهان ۱۷: ۱-۱۸؛ دوم پادشاهان ۲۵: ۱-۱۱؛ ۲: رومیان ۲۲-۲۳؛ اعمال ۷: ۵۱-۵۲؛ ۳: ۱۹-۲۰؛ رومیان ۱۰: ۵؛ غلاطیان ۳: ۱۰).

## ۲.۶ انسان تحت فیض

مرگ فداکارانه عیسی مسیح دوره فیض را به ما معرفی می نماید. که به مفهوم ارائه لطفی است که استحقاقش را نداشتیم. به جای اینکه تحت شریعت، عدالت خدا را تحصیل نماییم؛ عدالت خدا به ما داده می شود. حال نجات کامل و جاودانه خداوند به آزادی در اختیار یهود و امتهای گذشته می شود که در اثر قبول گناهان، توبه و ایمان در عیسی مسیح میسر می باشد.

«عیسی در جواب ایشان گفت: عمل خدا این است که به آن کسی که او فرستاد، ایمان بیاورید» (یوحنا ۶: ۲۹). آمین آمین به شما می گویم هر که به من ایمان آرد، حیات جاودانی دارد» (یوحنا ۶: ۴۷). «آمین آمین به شما می گویم که ساعتی می آید بلکه اکنون است که مردگان آواز پسر خدا را می شنوند و هر که بشنود زنده گردد» (یوحنا ۵: ۲۴). «گوسفندان من آواز مرا می شنوند و من آنها را می شناسم و

مرا متابعت می‌کنند» و من به آنها حیات جاودانی می‌دهم و تا به ابد هلاک نخواهند شد و هیچکس آنها را از دست من نخواهد گرفت (یوحنا ۱۰: ۲۷-۲۸). «زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید، بوسیله ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خداست، و نه از اعمال تا هیچ کس فخر نکند» (افسیسیان ۲: ۸-۹).

نتایج پیشبینی شده در اثر آزمون انسان تحت فیض منتهی به داوری خواهد شد؛ همه دنیای بی ایمان و کلیسای فاسد شده مورد داوری قرار خواهند گرفت (لوقا ۱۷: ۲۶-۳۰؛ لوقا ۱۸: ۸؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۷-۱۲؛ مکاشفه ۳: ۱۵-۱۶).

اولین واقعه‌ای که به خاتمه این دوران خواهد انجامید، بازگشت خداوند و ربوده شدن ایمانداران زنده و خوابیده در مسیح خواهد بود. «زیرا خود خداوند با صدا و با آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد و مردگان در مسیح اول خواهند برخاست. آنگاه ما که زنده و باقی باشیم، با ایشان در ابرها ربوده خواهیم شد تا خداوند را در هوا استقبال کنیم و همچنین همیشه با خداوند خواهیم بود» (اول تسالونیکی ۴: ۱۶-۱۷). و بعد دورانی به نام مصیبت بزرگ آغاز خواهد شد (ارمیا ۳۰: ۵-۷؛ دانیال ۱۲: ۱؛ صفیا ۱: ۱۵-۱۸؛ متی ۲۴: ۲۱-۲۲).

بعد از این بازگشت باشکوه خداوند قدرت و جلال نمایان خواهد شد و داوری واقع خواهد شد که آغاز دوره هفتم را اعلام خواهد نمود و این آخرین دوره خواهد بود (متی ۲۵: ۳۱-۴۶؛ متی ۲۴: ۲۹-۳۰).

## ۲. ۷ انسان تحت حکومت مسیح

بعد از داوری پاک کننده که با بازگشت شخصی مسیح به زمین رخ خواهد داد. او به مدت ۱۰۰۰ سال بر زمین حکومت خواهد نمود و قوم اسرائیل در این زمان نجات خواهد یافت. به این دوره اصطلاحاً حکومت هزار ساله گفته می‌شود. تخت قدرت او بر اورشلیم خواهد

## دو بازگشت

بود و مقدسین و ایماندارانی که در دوره فیض نجات یافته اند در جلال او شریک خواهند بود (اشعیا ۲: ۱-۴؛ اشعیا ۱۱؛ اعمال ۱۵: ۱۴-۱۷؛ مکاشفه ۱۹: ۱۱-۲۱؛ مکاشفه ۲۰: ۱-۶).

پس از پایان آن هزار سال، شیطان از زندان آزاد خواهد شد. او بیرون خواهد رفت تا قومهای جهان یعنی جوج و ماجوج را فریب داده، برای جنگ متحد سازد. و به این صورت آخرین دوره نیز مانند سایر دوره ها با داوری به پایان خواهد رسید. تخت بزرگ سفید مقرر خواهد شد و مرده ها را از بزرگ و کوچک در برابر خدا خواهند ایستاد. دفترها یکی پس از دیگری گشوده خواهد شد. مردگان همگی بر طبق نوشته های این دفترها محاکمه خواهند شد. و زمین و آسمان تازه ای بوجود خواهد آمد و ابدیت آغاز خواهد شد (مکاشفه ۲۰: ۳ و ۷-۱۵ و باب ۲۱ و ۲۲).

## ۳. دو بازگشت

و دریافت می نمودند که کدام و چگونه زمان است که روح مسیح که در ایشان بود از آن خبر می داد، چون از زحماتی که برای مسیح مقرر بود و جلالهایی که بعد از آنها خواهد بود، شهادت می داد (اول پطرس ۱: ۱۱).

هرکس که به دقت عهد عتیق را در نظر بگیرد و مبانی آن را مورد مقایسه قرار دهد در ارتباط با بازگشت عیسی مسیح با نوعی ظاهراً تناقض مواجه خواهد شد. بخشی از پیشگویی ها او را به نحوی معرفی می نمایند که با فروتنی بسیار می آید، و چون او را می نگریم و منظری ندارد که مشتاق او باشیم. خوار و نزد مردمان مردود و صاحب غمها و رنج دیده و مثل کسی که رویها را از او بپوشانند و خوار شده که او را به حساب نیاوردیم. لکن او غم های ما را بر خود

گرفت و دردهای ما را برخویش حمل نمود. و ما او را از جانب خدا زحمت کشیده و مضروب و مبتلا گمان بردیم. و حال آنکه به سبب تقصیرهای ما مجروح و به سبب گناهان ما کوفته گردید.

(مزامیر ۲۲: ۱-۱۸؛ اشعیا ۷: ۱۴ اشعیا؛ ۹: ۲۶ دانیال ۱۳: ۶-۷ ذکر یا مرقس ۱۴: ۲۷).

روی دیگر پیشگویی ها این است که داوری الهی با جلال و شکوه بسیار بر همه جهان وارد خواهد شد؛ قثم اسراییل که تحت جفا خواهد بود نجات خواهد یافت و تخت داود باز مستقر خواهد شد. اما با جلالی پر فروق تر از تخت سلیمان. و این بار حکومت عدالت. آرامش ب پا خواهد شد (تثنیه ۳۰: ۱-۷؛ اشعیا ۱۱: ۱-۲ و ۱۰-۱۲؛ اشعیا ۹: ۶-۷؛ اشعیا ۲۴: ۲۱-۳۱؛ اشعیا ۴۰: ۹-۱۱؛ ارمیا ۲۳: ۵-۸؛ دانیال ۷: ۱۳-۱۴؛ میکا ۵: ۲؛ متی ۱: ۱؛ متی ۲: ۲؛ لوقا ۱: ۳۱-۳۳).

در زمان معین پیشگویی آمدن مسیح به انجام رسید مطابق پیشگویی اشعیا و میکا او از مریم باکره در شهر بیت الهم به دنیا آمد و تمام پیشگویی ها مطابق کلام همگی به انجام رسید چرا که لازم بود که گناه برداشته شود؛ قبل از اینکه ملکوت او مستقر شود. یهودیان از پذیرش پادشاهی که خود را اینگونه نشان داد؛ سر باز زدند؛ «دختر صهیون را گوید اینک پادشاه تو نزد تو می آید با فروتنی و سواره بر حمار و بر کرّه الاغ». و او را مصلوب نمودند (ذکر یا ۹: ۹؛ متی ۲۱: ۵-۱؛ یوحنا ۱۵: ۱۹-۱۶).

اما نباید چنین نتیجه گیری نماییم که ضعف آدمی نقشه خدا را بر هم می زند؛ مشیت او شامل بازگشت دوباره پسر نیز می شود. همانطور که پیشگویی های مربوط به زجر و رنج او دقیقاً و عیناً به انجام رسید؛ پیشگویی های جلال زمینی او نیز به وقوع می رسد (هوشع ۳: ۴-۵؛ متی ۲۴: ۲۷-۳۰؛ لوقا ۱: ۳۱-۳۳؛ اعمال ۱: ۶-۷؛ اعمال ۱۵: ۱۴-۱۷).

یهودیان نمی توانستند به سخنان انبیا راجع به رنج های مسیح ارا باور کنند. ما نیز نسبت به باور کردن سخنان آنان راجع به جلال یافتن

او، مشکل داریم. قطعاً کار ما آسان تر از آنها است، چرا که باور نمودن بازگشت او از میان ابرها با قدرت و جلال، آسانتر است از باور کردن اینکه او چون کودکی از بیت الهم و نجاری از ناصره خواهد آمد. برای ما باور نمودن این واقعه آسان است چون همه آنها دقیقاً رُخ داده اند و انبیای بیشماری آن حوادث را پیشگویی نموده اند برای همین حق نداریم که بی ایمانی یهودیان را به سادگی نقد نماییم. حال اگر پرسیم که چطور امکان دارد آنها نسبت به این همه شواهد و مفاهیم کتاب مقدس کور باشند؛ پاسخ بسیار ساده است به همان دلیل که ما نسبت به این همه شواهد کتاب مقدس دال جلال زمینی او کور هستیم؛ تنها به این بهانه که باید از کتاب مقدس برداشت روحانی نمود. به عبارت دیگر، همانطور که کاتبین باستانی مردم را توصیه می نمودند که نباید پیشگویی های رنج مسیح را تحت الفظی تفسیر نمایید؛ به همان نحو نیز بعضی کاتبین مدرن به مردم می گویند که نباید پیشگویی های جلال زمینی مسیح را تحت الفظی ترجمه نمود.

بازگشت دوباره عیسی مسیح به مثابه وعده ای است هم برای یهودیان و هم برای مسیحیان. خداوند قبل از رنج هایش بر صلیب در میان سخنان دلگرم کننده خود به شاگردان چنین می گوید: «دل شما مضطرب نشود! به خدا ایمان آورید به من نیز ایمان آورید. درخانه پدر من منزل بسیار است و الا به شما می گفتم. می روم تا برای شما مکانی حاضر کنم، و اگر بروم و از برای شما مکانی حاضر کنم، باز می آیم و شما را برداشته با خود خواهم برد تا جایی که من می باشم شما نیز باشید» (یوحنا ۱۴: ۱-۳).

در اینجا خداوند از بازگشت دوباره خود به نحوی صحبت می کند که دقیقاً راجع به رفتنش سخن می گوید. درباره صعود، همه می دانیم و تصدیق می نماییم که کاملاً شخصی و جسمی بوده است. و اگر ادعا نماییم که بازگشت (قسمت دوم آیه فوق). شخصی و فیزیکی نمی باشد پس گویی کلام خدا را با تناقض و پیچیدگی خاصی نسبت

داده ایم. اما بدون هیچ شکی از ته دل و بشکلی قلبی می دانیم که کلام خدا صدق و خطا ناپذیر است.

و چون به سوی آسمان چشم دوخته می بودند، هنگامی که او می رفت، ناگاه دو مرد سفیدپوش نزد ایشان ایستاده، گفتند: «ای مردان جلیلی چرا ایستاده، به سوی آسمان نگرانید؟ همین عیسی که از نزد شما به آسمان بالا برده شد، باز خواهد آمد به همین طوری که او را به سوی آسمان روانه دیدید» (اعمال رسولان ۱: ۱۰-۱۱).

همین جریان نیز در اول تسالونیکیان ۴: ۱۶-۱۷؛ «زیرا خود خداوند با صدا و با آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد و مردگان در مسیح اول خواهند برخاست. آنگاه ما که زنده و باقی باشیم، با ایشان در ابرها ربوده خواهیم شد تا خداوند را در هوا استقبال کنیم و همچنین همیشه با خداوند خواهیم بود».

و آن امید مبارک و تجلی جلال خدای عظیم و نجات دهنده خود ما عیسی مسیح را انتظار کشیم، (تیطس ۲: ۱۳).

اما وطن ما در آسمان است که از آنجا نیز نجات دهنده یعنی عیسی مسیح خداوند را انتظار می کشیم، که شکل جسد ذلیل ما را تبدیل خواهد نمود تا به صورت جسد مجید او مصور شود، برحسب عمل قوت خود که همه چیز را مطیع خود بگرداند (فیلیپیان ۳: ۲۰-۲۱).

«ای حیبیان، الآن فرزندان خدا هستیم و هنوز ظاهر نشده است آنچه خواهیم بود؛ لکن می دانیم که چون او ظاهر شود، مانند او خواهیم بود زیرا او را چنانکه هست خواهیم دید» (اول یوحنا ۳: ۲).  
و اینک به زودی می آیم و اجرت من با من است تا هر کسی را بحسب اعمالش جزا دهم (مکاشفه ۱۲: ۲۲).

نسبت به این «امید مبارک» مراقب باشیم (مرقس ۱۳: ۳۳، ۳۵، ۳۷؛ متی ۲۴: ۴۲؛ ۲۵: ۱۳).

«انتظار کشیم» (اول تسالونیکیان ۱: ۱۰)، و آماده باشیم (متی ۲۴: ۴۴). یکی از سریع ترین دعا‌های کتاب مقدس طلب بازگشت عیسی

مسیح است (مکاشفه ۲۲: ۲۰).

با توجه به این آیات باید چنین نتیجه گرفت که بازگشت دوباره مسیح کاملاً شخصی و جسمی خواهد بود. بنابراین نمی‌تواند به مفهوم مرگ ایمانداران یا خرابی اورشلیم، یا نزول روح القدس در پنطیکاست یا گسترش تدریجی ایمانداران باشد.

«امید مبارک» کلیسا، پدیدار خواهد شد و مقدسین خوابیده در مسیح دوباره برخوانند خاست و همراه با مقدسین زنده متبدل خواهند شد. «همانا به شما سری می‌گویم که همه نخواهیم خوابید، لیکن همه متبدل خواهیم شد. در لحظه‌ای، در طرفه العینی، به مجرد نواختن صور اخیر، زیرا کرنا صدا خواهد داد، و مردگان، بیفاساد خواهند برخاست و ما متبدل خواهیم شد» (اول قرن‌تیان ۱۵: ۵۱-۵۲).

ما که اکنون فرزندان خدا محسوب می‌شویم؛ مانند او خواهیم شد و ایماندار وفادار به مسیح بابت اعمال ایمان خود، پاداش خواهند گرفت که بخاطر نام او و نجاتی که او فراهم نموده است؛ محقق خواهد شد. آیات زیر بیشتر تفاوت دو بازگشت مسیح را روشن می‌سازند.

### بازگشت اول

پسر نخستین خود را زایید. و او را در قن‌داقه پیچیده، در آخور خوابانید. زیرا که برای ایشان در منزل جای نبود (لوقا ۲: ۷).

زیرا در این صورت می‌بایست که او از بنیاد عالم بارها زحمت کشیده باشد. لکن الآن یک مرتبه در اواخر عالم ظاهر شد تا به قربانی خود، گناه را محو سازد (عبرانیان ۹: ۲۶).

«و چون رسولان مراجعت کردند، آنچه کرده بودند بدو باز گفتند. پس ایشان را برداشته به ویرانه‌ای نزدیک شهری که بیت صیدا نام داشت به خلوت رفت» (لوقا ۹: ۱۰).

«زیرا خدا پسر خود را در جهان نفرستاد تا بر جهان داوری کند، بلکه تا به وسیله او جهان نجات یابد (یوحنا ۳: ۱۷).

و اگر کسی کلام مرا شنید و ایمان نیاورد، من بر او داوری نمی‌کنم زیرا که نیامده‌ام تا جهان را داوری کنم بلکه تا جهان را نجات بخشم (یوحنا ۱۲: ۴۷).

### بازگشت دوم

آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد و در آن وقت، جمیع طوایف زمین سینه زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان، با قوّت و جلال عظیم می‌آید (متی ۲۴: ۳۰).

عبرانیان ۲۸: ۹ همچنین مسیح نیز چون یک بار قربانی شد تا گناهان بسیاری را رفع نماید، بار دیگر بدون گناه، برای کسانی که منتظر او می‌باشند، ظاهر خواهد شد بجهت نجات.

و شما را که عذاب می‌کشید، با ما راحت بخشد در هنگامی که عیسی خداوند از آسمان با فرشتگان قوّت خود ظهور خواهد نمود (دوم تسالونیکیان ۱: ۷).

در آتش مشتعل و انتقام خواهد کشید از آنانی که خدا را نمی‌شناسند و انجیل خداوند ما عیسی مسیح را اطاعت نمی‌کنند (دوم تسالونیکیان ۱: ۸).

زیرا روزی را مقرر فرمود که در آن ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد نمود به آن مردی که معین فرمود و همه را دلیل داد به اینکه او را از مردگان برخیزانید (اعمال رسولان ۱۷: ۳۱).

حال می‌توان این مقایسه را نسبت به وعده‌های داده شده به اسرائیل و کلیسا و ارتباط آنها با بازگشت عیسی مسیح وسعت داد. شاید مفید خواهد بود اگر بطور مختصر به دیدگاه‌ها و تئوری‌های است که مخالف بازگشت شخصی و واقعی عیسی مسیح هستند.

البته واضحاً درک می‌شود که وقتی کتاب مقدس درباره پایان آخرین دوره یعنی بازگشت عینی و جسمی عیسی مسیح، سخن می‌گوید، بسیار متفاوت تر از مواقعی است که به خصوصیات حضور مطلق و



دانش مطلق عیسی مسیح اشاره می‌نماید. این خصوصیت مسیح که در همه جا حاضر است یا همه چیز را می‌دانند که متونی چون متی ۲۸: ۲۰ و ۱۸، ۲۰ نمونه‌های از آن هستند. درباره این صحنه، این حقیقت مبارک نیز صحت دارد که او همیشه با ما است؛ حتی در ایام آخر.

اما عیسی مسیح حال به شکلی شخصی و واقعی بر دست راست خدای پدر نشسته است. اعمال ۱: ۹-۱۱ بیان می‌دارد که: صحیفه اول را انشا نمودم، ای تیوفلس، درباره همه اموری که عیسی به عمل نمودن و تعلیم دادن آنها شروع کرد. تا آن روزی که رسولان برگزیده خود را به روح القدس حکم کرده، بالا برده شد. که بدیشان نیز بعد از زحمت کشیدن خود، خویشان را زنده ظاهر کرد به دلیلهای بسیار که در مدت چهل روز بر ایشان ظاهر می‌شد و درباره امور ملکوت خدا سخن می‌گفت. و چون با ایشان جمع شد، ایشان را قدغن فرمود که «از اورشلیم جدا مشوید، بلکه منتظر آن وعده پدر باشید که از من شنیده‌اید. زیرا که یحیی به آب تعمید می‌داد، لیکن شما بعد از اندک ایامی، به روح القدس تعمید خواهید یافت». پس آنانی که جمع بودند، از او سوال نموده، گفتند: «خداوندا آیا در این وقت ملکوت را بر اسرائیل باز برقرار خواهی داشت؟» بدیشان گفت: «از شما نیست که زمانها و اوقاتی را که پدر در قدرت خود نگاه داشته است بدانید. لیکن چون روح القدس بر شما می‌آید، قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان». و چون این را گفت، وقتی که ایشان همی‌نگریستند، بالا برده شد و ابری او را از چشمان ایشان در ربود. و چون به سوی آسمان چشم دوخته می‌بودند، هنگامی که او می‌رفت، ناگاه دو مرد سفیدپوش نزد ایشان ایستاده، گفتند: «ای مردان جلیلی چرا ایستاده، به سوی آسمان نگرانید؟ همین عیسی که از نزد شما به آسمان بالا برده شد، باز خواهد آمد به همین طوری که او را به سوی آسمان روانه دیدید».

استیفان او را اینگونه می‌بیند: «اما او از روح القدس پر بوده، به سوی آسمان نگرست و جلال خدا را دید و عیسی را بدست راست خدا ایستاده و گفت: اینک آسمان را گشاده، و پسر انسان را به دست راست خدا ایستاده می‌بینم» (اعمال رسولان ۷: ۵۵-۵۶).

که فروغ جلالش و خاتم جوهرش بوده و به کلمه قوت خود حامل همه موجودات بوده، چون طهارت گناهان را به اتمام رسانید، به دست راست کبریا در اعلیٰ علیین بنشست (عبرانیان ۱: ۳). پس چون با مسیح برخیزانیده شدید، آنچه را که در بالا است بطلبید در آنجایی که مسیح است، به دست راست خدا نشسته (کولسیان ۱: ۳).

در طول جنگ داخلی اسپانیا؛ ژنرال فرانکو با همه هوش و مهارت خود و بواسطه شبکه خطوط تلگراف در همه نقاط جنگ و درگیری عملاً حضور داشت؛ در حالیکه او در دفتر خود در شهر برلین حضور داشت. بعد ها قبل از اینکه جنگ به پاریس کشیده شود، او عملاً به سربازان خود پیوست. همچنین خداوند ما نیز با صفات الهی خود، در کلیسا حضور دارد، اما روزی خواهد آمد که او عیناً و شخصاً بر زمین قدم خواهد گذاشت.

۱. پیشگویی های راجع به بازگشت عیسی مسیح با نزول روح القدس در پنطیکاست به انجام نرسیده اند، حتی ظهور باشکوه او در جلسات دعا قبل از صعودش هم دال بر بازگشت او نمی‌باشد.

الف. این تفسیر نمی‌تواند درست باشد چرا که پذیرش آن به منزله رد آموزه تثلیث، است از آنجهت که پذیرش اینکه روح القدس نماد ظهور مسیح بوده است خود رد تثلیث است.

ب. عیسی مسیح در وعده خود در رابطه با نزول روح القدس به نحوی است که از او به عنوان «تسلی دهنده دیگری» یاد می‌کند (یوحنا ۱۴: ۱۶). همچنین یوحنا ۱۶: ۷ می‌گوید: «و من به شما راست می‌گویم که رفتن من برای شما مفید است، زیرا اگر نزوم تسلی دهنده نزد شما نخواهد آمد. اما اگر بروم او را نزد شما می‌فرستم».

پ. نویسندگان کتاب اعمال، رسالات و مکاشفه که همگی از روح خدا الهام یافته‌اند؛ بیش از ۱۵۰ بار به بازگشت دوباره مسیح اشاره داشته‌اند؛ و همه آنها نیز اشاره به آینده داشته‌اند.

ت. هیچ کدام از پیشگویی‌ها نمی‌گویند که بازگشت دوباره مسیح مصادف با پنطیکاست می‌باشد. اینها عبارتند از: قیام مقدسین خوانیده در مسیح (اول قرن‌تین ۱۵: ۲۲-۲۳؛ اول تسالونیکیان ۴: ۱۳-۱۶)، دگرگونی ایمانداران زنده، همانا به شما سری می‌گویم که همه نخواهیم خوابید، لیکن همه متبدل خواهیم شد. در لحظه‌ای، در طرفه‌العینی، به مجرد نواختن صور اخیر، زیرا کرنا صدا خواهد داد، و مردگان، بیفساد خواهند برخاست و ما متبدل خواهیم شد. زیرا که می‌باید این فاسد بیفسادی را بپوشد و این فانی به بقا آراسته گردد. آنگاه ما که زنده و باقی باشیم، با ایشان در ابرها رבוده خواهیم شد تا خداوند را در هوا استقبال کنیم و همچنین همیشه با خداوند خواهیم بود؛ «اما وطن ما در آسمان است که از آنجا نیز نجات دهنده یعنی عیسی مسیح خداوند را انتظار می‌کشیم، که شکل جسد ذلیل ما را تبدیل خواهد نمود تا به صورت جسد مجید او مصور شود، برحسب عمل قوت خود که همه چیز را مطیع خود بگرداند» (اول قرن‌تین ۱۵: ۵۱-۵۳؛ اول تسالونیکیان ۴: ۱۷؛ فیلیپیان ۳: ۲۰-۲۱). و فوراً بعد از مصیبت آن ایام، آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را ندهد و ستارگان از آسمان فرو ریزند و قوت‌های افلاک متزلزل گردد. آنگاه

علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد و در آن وقت، جمیع طوایف زمین سینه زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان، با قوّت و جلال عظیم می‌آید؛ «اینک با ابرها می‌آید و هر چشمی او را خواهد دید و آنانی که او را نیزه زدند و تمامی امت‌های جهان برای وی خواهند نالید» (متی ۲۴: ۲۹-۳۰؛ مکاشفه ۱: ۷).

اینها همه پدیده‌های هستند که با آمدن خداوند به وقوع خواهند رسید و هیچکدام از اینها نه در واقعه نزول روح القدس و نه در نزول روح القدس، واقع نشده‌اند.

۲. تبدیل و نجات ایمانداران به معنی بازگشت دوباره خداوند نیست.

این تئوری آنقدر کودکانه می‌نماید که دیگر مجال بحث بیشتری برای آن نیست؛ فقط اندکی به پیشگویی‌های مطرح شده خواهیم پرداخت.

الف. مطابق کلام خدا این واقعه دقیقاً برعکس است. در واقع تبدیل گناهکار به معنی آمدن فرد گناهکار به سوی مسیح است نه مسیح به سوی او (متی ۱۱: ۲۸؛ یوحنا ۵: ۴۰؛ یوحنا ۷: ۳۷؛ یوحنا ۶: ۳۷).

ب. هیچ کدام از وقایع مربوط به بازگشت عیسی مسیح در هنگام تبدیل و یا تولد تازه ایمانداران رُخ نمی‌دهند.

۳. مرگ ایمانداران به منزله بازگشت عیسی مسیح نیست.

الف. وقتی شاگردان شنیدند که اگر بخواهم که او بماند تا باز آیم تو را چه؟ تو از عقب من بیا. پس این سخن در میان برادران شهرت

یافت که آن شاگرد نخواهد مرد (یوحنا ۲۱: ۲۲-۲۴).

ب. نوشته های الهامی کلام خدا به مرگ ایمانداران به نحوی اشاره می کنند که گویی به نزد او می روند. در هیچ بخش از کلام خدا ارتباطی میان مرگ ایمانداران، با بازگشت عیسی مسیح وجود ندارد (فیلیپیان ۱: ۲۳؛ دوم تیموتائوس ۴: ۶؛ دوم قرنتیان ۵: ۸). «اما او از روح القدس پر بوده، به سوی آسمان نگریست و جلال خدا را دید و عیسی را بدست راست خدا ایستاده و گفت: «اینک آسمان را گشاده، و پسر انسان را به دست راست خدا ایستاده می بینم» (اعمال ۷: ۵۵-۵۶).

پ. هیچ واقعه ای پیش بینی نشده که بازگشت عیسی مسیح با مرگ ایمانداران مصادف شده باشد.

۴. ویرانی اورشلیم توسط رومی ها به منزله بازگشت عیسی مسیح نیست.

الف. در متی ۲۴ و لوقا ۲۱ سه واقعه پیش بینی شده اند: ویرانی هیکل، آمدن خداوند، و پایان جهان (ایام) (متی ۲۴: ۳). نباید دچار این سردرگمی شد که تحقق یکی از وقایع فوق به منزله تحقق همه آنها است.

ب. یوحنا ی رسول کتاب مکاشفه را بعد از ویرانی اورشلیم نگاشت؛ در حالی که راجع به بازگشت عیسی مسیح به شکل آینده نگری صحبت می نماید (مکاشفه ۱: ۴ و ۷؛ ۲: ۲۵؛ ۳: ۱۱؛ ۲۲: ۷ و ۱۲ و ۲۰). آخرین وعده کلام این است که «و اینک به زودی می آیم» (و آخرین دعا این است که: «آمین. بیا، ای خداوند عیسی!»)

ت. وقتی که اورشلیم ویران شد؛ هیچ کدام از واقایع مربوط به بازگشت عیسی مسیح نحقق نیافت (اول تسالونیکیان ۴: ۱۴-۱۷؛ متی ۲۴: ۲۹-۳۱؛ متی ۲۵: ۳۱-۳۲).

۵. انتشار مسیحیت به منزله بازگشت عیسی مسیح نیست.

الف. انتشار مسیحیت به تدریج تحقق می یابد در حالی که بازگشت خداوند به شکلی ناگهانی در کلام توصیف شده است (متی ۲۴: ۲۷ و ۳۶-۴۲ و ۴۴ و ۵۰؛ دوم پطرس ۳: ۱۰؛ مکاشفه ۳: ۳).

ب. انتشار مسیحیت به شکل مرحله است؛ در حالی که بازگشت خداوند به شکلی حادثه ای در کلام توصیف شده است.

پ. انتشار مسیحیت باعث نجات گناهکاران می شود، درحالی که بازگشت خداوند تنها نجات بلکه ویرانی ناگهانی را بر آنها وارد خواهد آورد (اول تسالونیکیان ۵: ۲، ۳؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۷-۱۰؛ متی ۲۵: ۳۱-۴۶).

۶. این به اصطلاح توضیحات و تئوریه‌ها اگر در جاهای مختلف نجوا می شود ولی در کتابهای معتبر الهیاتی هیچ فرقه و مدرسه ای مطرح نمی شوند؛ حتی در دانشگاه های دشمن کلام خدا نیز مطرح نمی شوند. همه اینها مربوط به بازگشت جسمی و قابل مشاهده عیسی مسیح می شوند.

با این وجود، گاهی اوقات گفته می شود آمدن مسیح نمی تواند واقع شود مگر جهان در اثر شنیدن موعظه انجیل توبه نموده بازگشت نماید و خود را به حکومت هزار ساله مسیح بسپارد. به نظر می رسد که این دیدگاه نیز مشکلات فراوانی را در بر دارد.

الف. کتاب مقدس واضحاً شرایط زمین را به هنگام آمدن مسیح توصیف می‌نماید که در شرارت وحشتناکی خوابیده است و این هیچ تطابقی با حکومت هزار ساله ندارد (لوقا ۱۷: ۲۶-۳۲؛ پیدایش ۶: ۵-۶ و پیدایش ۱۳: ۱۳؛ لوقا ۱۸: ۸؛ لوقا ۲۱: ۲۵-۲۷).

ب. کتاب مقدس تمام محور این دوران را از ابتدا تا انتها توضیح می‌دهد؛ بدون اینکه امکان تبدیل همه جهان یا بخشی از آنرا را توضیح دهد (متی ۱۳: ۳۶-۴۳؛ ۴۷-۵۰؛ متی ۲۵: ۱-۱۰؛ اول تیموتائوس ۴: ۱؛ دوم تیموتائوس ۳: ۱-۹؛ ۴: ۳-۴؛ دوم پطرس ۳: ۳-۴؛ یهودا ۱۷-۱۹).

پ. هدف خدا در این دوران اینطور بیان می‌شود که مصادق جمع کردن امتها به نام خودش می‌باشد؛ نه به مفهوم تبدیل دنیا. و بعد از این واقعه او بازگشت خواهد نمود نه اینکه همه جهان مبدل شود (اعمال ۱۵: ۱۴-۱۷؛ متی ۲۴: ۱۴؛ رومیان ۱: ۵؛ رومیان ۱۱: ۱۴؛ اول قرنتیان ۹: ۲۲؛ مکاشفه ۵: ۹).

ت. غیر ممکن است که منتظر باشیم و ببینیم در حالی که می‌دانیم این واقعه بیشتر از هزار سال بطول می‌انجامد.

#### ۴. دو قیام

کلام راستی با واضح ترین و مثبت ترین عبارات درباره قیام مردگان سخن می‌گوید. هیچ آموزه ای از تعالیم کتاب مقدس تا این اندازه مشخص و معتبر بیان نشده است.

اما اگر مردگان را قیامت نیست، مسیح نیز برنخاسته است. و اگر مسیح برنخاست، باطل است وعظ ما و باطل است نیز ایمان شما (اول قرنیتیان ۱۵:۱۳).

اما مهم است که ملاحظه کنیم کتاب مقدس تعلیم نمی دهد که همه مردگان در یک لحظه قیام خواهند نمود. بخشی از قیام مردگان هم اکنون به وقوع رسیده است.

و قبرها گشاده شد و بسیاری از بدنهای مقدّسین که آرامیده بودند برخاستند، و بعد از برخاستن وی، از قبور برآمده، به شهر مقدّس رفتند و بر بسیاری ظاهر شدند (متی ۲۷:۵۲-۵۳).

دو قیام از آن نظر متفاوت می باشند که به لحاظ زمان و به لحاظ کسانی که صعود می کنند فرق می کنند. این دو به نحو متعددی از یکدیگر تفاوت دارند. «قیام حیات» و «قیام لعنت»؛ «قیام عدالت» و «قیام نا عدالتی» و.. آیات زیر به این موضوع مهم اشاره می کند.

و بیرون خواهند آمد؛ هر که اعمال نیکو کرد، برای قیامت حیات و هر که اعمال بد کرد، به جهت قیامت داوری. من از خود هیچ نمی توانم کرد بلکه چنانکه شنیده ام داوری می کنم و داوری من عادل است زیرا که اراده خود را طالب نیستم بلکه اراده پدری که مرا فرستاده است (یوحنا ۵:۲۸-۲۹).

واژه «ساعت» به هر دو این قیام اشاره می نماید و در آیه ۲۵ چنین اشاره می شود که این ساعت مدت ۱۸۰۰ سال است که ادامه دارد (دوم پطرس ۳: ۸ و ۲؛ دوم قرنیتیان ۶: ۲؛ یوحنا ۶: ۲؛ ۸: ۵۶).

بلکه چون ضیافت کنی، فقیران و لنگان و شلّان و کوران را دعوت کن. که خجسته خواهی بود زیرا ندارند که تو را عوض دهند و در قیامت عادلان، به تو جزا عطا خواهد شد (لوقا ۱۴:۱۳-۱۴).

در این آیه خداوند درباره اولین قیام صحبت می نماید. در اول قرنیتیان ۱۵ تفاوت بیشتر به نظر می آید.

لیکن پدر به غلامان خود گفت، جامه بهترین را از خانه آورده بدو



پوشانید و انگشتی بر دستش کنید و نعلین بر پایهایش، و گوساله پرواری را آورده ذبح کنید تا بخوریم و شادی نماییم (لوقا ۱۵: ۲۲).  
 اما ای برادران نمی خواهیم شما از حالت خوابیدگان بی خبر باشید که مبادا مثل دیگران که امید ندارند، محزون شوید. زیرا اگر باور می کنیم که عیسی مرد و برخاست، به همینطور نیز خدا آنانی را که در عیسی خوابیده اند با وی خواهد آورد. زیرا این را به شما از کلام خدا می گوئیم که ما که زنده و تا آمدن خداوند باقی باشیم، بر خوابیدگان سبقت نخواهیم جست. زیرا خود خداوند با صدا و با آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد و مردگان در مسیح اول خواهند برخاست (اول تسالونیکیان ۴: ۱۳-۱۶).  
 اگر رسول قیام همه را در ذهن داشت؛ چگونه می توانست به آن اشاره نداشته باشد. در مکاشفه ۲۰: ۴-۶ باز هم دو قیام با هم مذکور شده اند. که به وضوح به قیام نجات یافتگان و قیام بی ایمانان اشاره شده است.

و تختها دیدم و بر آنها نشستند و به ایشان حکومت داده شد و دیدم نفوس آنانی را که بجهت شهادت عیسی و کلام خدا سر بریده شدند و آنانی را که وحش و صورتش را پرستش نکردند و نشان او را بر پیشانی و دست خود نپذیرفتند که زنده شدند و با مسیح هزار سال سلطنت کردند. و سایر مردگان زنده نشدند تا هزار سال به اتمام رسید. این است قیامت اول. خوشحال و مقدس است کسی که از قیامت اول قسمتی دارد. بر اینها موت ثانی تسلط ندارد بلکه کاهنان خدا و مسیح خواهند بود و هزار سال با او سلطنت خواهند کرد (مکاشفه ۲۰: ۴-۶).

آیات ۱۲ و ۱۳ به دومین قیام اشاره می نمایند که منتهی به لعنت خواهد شد. مطابق شهادت کلام خدا کاملاً واضح است که بدن ایمانداران از میان بی ایمانان برخیزانیده خواهد شد تا خداوند خود را در آسمان ملاقات نمایند که این هزار سال قبل از قیام دوم خواهد

بود. باید قویاً تأکید نماییم که آموزه قیام بیشتر متوجه بدن مردگان است. روح بی کالبد آنان دوباره در جسم قرار خواهد گرفت (فیلیپیان ۱: ۳۲؛ دوم قرنتیان ۵: ۸؛ لوقا ۱۶: ۲۲-۲۳).

### ۵. پنج داوری

عبارت «داوری عمومی» با چنین دفعات تکرار در ادبیات مذهبی مطرح شده است؛ در کتاب مقدس بیان نشده است؛ آنچه اهمیت دارد این است که چنین عبارتی در کلام خدا یافت نمی‌شود.

دکتر پنطیکاست به خوبی می‌گوید: «هیچ چیز شیرانه‌تر از این عادت نیست که دنیای مسیحی را چنین هدایت نمود که داوری به طور حادثه‌ای بزرگ در پایان جهان واقع خواهد شد و همه ابنای بشر از جمله مقدسین و گناهکاران و یهودیان و امتهای و زندگان و مردگان همگی در برابر تخت سفید به جهت داوری حاضر خواهند شد. هیچ چیز نمی‌تواند فراتر از تعلیم کتاب مقدس باشد».

کتاب مقدس از پنج داوری صحبت می‌نماید. و آنها از سه منظر با یکدیگر تفاوت دارند؛ اینکه چه کسانی مورد داوری قرار می‌گیرند؛ در چه زمانی داوری واقع می‌شود؛ زمان داوری و نتیجه داوری.

### داوری ایمانداران

گناهانشان مورد داوری قرار گرفته است.

زمان: ۳۰ بعد از میلاد

مکان: صلیب

نتیجه: مرگ مسیح: عادل شمرده شدگی برای ایمانداران

و صلیب خود را برداشته، بیرون رفت به موضعی که به جُمُجَه مسمی بود و به عبرانی آن را جُلُجُتا میگفتند. او را در آنجا صلیب نمودند و دو نفر دیگر را از این طرف و آن طرف و عیسی را در میان (یوحنا ۱۹: ۱۷-۱۸).

که خود گناهان ما را در بدن خویش بر دار متحمل شد تا از گناه مرده شده، به عدالت زیست نماییم که به ضربهای او شفا یافته اید (اول پطرس ۲: ۲۴).

زیرا که مسیح نیز برای گناهان یک بار زحمت کشید، یعنی عادلانه برای ظالمان، تا ما را نزد خدا بیاورد؛ در حالیکه بحسب جسم مُرد، لکن بحسب روح زنده گشت (اول پطرس ۳: ۱۸). مسیح، ما را از لعنت شریعت فدا کرد چونکه در راه ما لعنت شد، چنانکه مکتوب است ملعون است هر که بر دار آویخته شود (غلاطیان ۳: ۱۳).

دوم قرنیتیان ۵: ۲۱ زیرا او را که گناه نشناخت، در راه ما گناه ساخت تا ما در وی عدالت خدا شویم.

زیرا در این صورت می‌بایست که او از بنیاد عالم بارها زحمت کشیده باشد. لکن الآن یک مرتبه در اواخر عالم ظاهر شد تا به قربانی خود، گناه را محو سازد (عبرانیان ۹: ۲۶).

که فروغ جلالش و خاتم جوهرش بوده و به کلمه قوت خود حامل همه موجودات بوده، چون طهارت گناهان را به اتمام رسانید، به دست راست کبریا در اعلیٰ علین بنشست (عبرانیان ۳: ۱).

پس هیچ قصاص نیست بر آنانی که در مسیح عیسی هستند (رومیان ۸: ۱).

### داوری گناه در ایمانداران

زیرا آنچه از شریعت محال بود، چونکه به سبب جسم ضعیف بود،

خدا پسر خود را در شبیه جسم گناه و برای گناه فرستاده، بر گناه در جسم فتوا داد (رومیان ۸:۳).

زمان: هر زمانی

مکان: هر مکانی

نتیجه: از طرف خدا تأدیب می‌شویم اگر خود را مورد داوری قرار ندهیم.

اما اگر بر خود حکم می‌کردیم، حکم بر ما نمی‌شد. لکن هنگامی که بر ما حکم می‌شود، از خداوند تأدیب می‌شویم مبادا با اهل دنیا بر ما حکم شود (اول قرنیتان ۱۱:۳۱-۳۲).

اگر متحمل تأدیب شوید، خدا با شما مثل پسران رفتار می‌نماید. زیرا کدام پسر است که پدرش او را تأدیب نکند؟ (عبرانیان ۱۲:۷).  
قرنیتان ۵:۵؛ دوم سموئیل ۷: ۱۴-۱۵؛ دوم سموئیل ۱۲: ۱۳-۱۴؛ اول تیموتائوس ۱: ۲۰؛ اول پطرس ۴: ۱۷.

### رفتار و اعمال ایمانداران مورد داوری قرار می‌گیرد

زمان: زمانی که مسیح آمد

مکان: در آسمان

نتیجه: پاداش یا زیان، اما فرد ایمانداران نجات می‌یابد

تفکر مهمی وجود دارد مبنی بر اینکه گرچه مسیح بار گناهان ما را با جسم خود متحمل شد و عهد خدا با ما؛ امکان پذیر گردید (باز می‌گوید). و گناهان و خطایای ایشان را دیگر به یاد نخواهم آورد (عبرانیان ۱۰: ۱۷). هر ماری باید مورد داوری قرار گیرد. زندگی و اعمال ایماندار باید از طرف خداوند مورد بازبینی قرار گیرد.  
لهذا حریص هستیم بر اینکه خواه متوطن و خواه غریب، پسندیده

او باشیم. زیرا لازم است که همه ما پیش مسند مسیح حاضر شویم تا هر کس اعمال بدنی خود را بیابد، بحسب آنچه کرده باشد، چه نیک چه بد (دوم قرن‌تیاں ۹:۵-۱۰).

رومیان ۱۰:۱۴ لکن تو چرا بر برادر خود حکم می‌کنی؟ یا تو نیز چرا برادر خود را حقیر می‌شماری؟ زانرو که همه پیش مسند مسیح حاضر خواهیم شد.

پس خاطر جمع هستیم و این را بیشتر می‌پسندیم که از بدن غربت کنیم و به نزد خداوند متوطن شویم. لهذا حریص هستیم بر اینکه خواه متوطن و خواه غریب، پسندیده او باشیم (دوم قرن‌تیاں ۸:۵-۹). در بخشهای دیگر کلام، بازهم کلمه «ما» و «برادر» به ایمانداران محدود می‌شود. روح القدس نجات یافتگان و دیگران را باهم ادغام نمی‌کند شاید باور کردنی نباشد که ایماندارانی که با خون خداوند تقدیس شده اند تحت داوری قرار گیرند و اما اشعیا نیز اعلام می‌دارد «هر زانویی باید خم شوند» تا هرکدام از ما جلال را فقط به خدا تقدیم نماییم».

متن زیر مبنای داوری اعمال را ارائه می‌دهد.

زیرا بنیادی دیگر هیچ کس نمی‌تواند نهاد جز آنکه نهاده شده است، یعنی عیسی مسیح. لکن اگر کسی بر آن بنیاد، عمارتی از طلا یا نقره یا جواهر یا چوب یا گیاه یا کاه بنا کند، کار هرکس آشکار خواهد شد، زیرا که آن روز آن را ظاهر خواهد نمود، چونکه آن به آتش به ظهور خواهد رسید و خود آتش، عمل هر کس را خواهد آزمود که چگونه است. اگر کاری که کسی بر آن گذارده باشد بماند، اجر خواهد یافت. و اگر عمل کسی سوخته شود، زیان بدو وارد آید، هر چند خود نجات یابد اما چنانکه از میان آتش (اول قرن‌تیاں ۱۱:۳-۱۵).

متن زیر زمان داوری را مشخص می‌نماید:

زیرا که پسر انسان خواهد آمد در جلال پدر خویش به اتفاق

ملائکه خود و در آن وقت هر کسی را موافق اعمالش جزا خواهد داد (متی ۲۷:۱۶).

لوقا ۱۴:۴ ایشان ساکت ماندند. پس آن مرد را گرفته، شفا داد و رها کرد.

«و چنانکه در آدم همه می‌میرند در مسیح نیز همه زنده خواهند گشت. لیکن هر کس به رتبه خود؛ مسیح نوبر است و بعد آنانی که در وقت آمدن او از آن مسیح می‌باشند» (اول قرن‌تین ۱۵:۲۲-۲۳).

لهذا پیش از وقت به چیزی حکم مکنید تا خداوند بیاید که خفایای ظلمت را روشن خواهد کرد و نیت‌های دلها را به ظهور خواهد آورد؛ آنگاه هر کس را مدح از خدا خواهد بود (اول قرن‌تین ۵:۴).

این نگاه چقدر مایه آرامش است؛ که اتکا ما به اعمال حقیرانه مان نیست؛ بلکه مبتنی بر محبت همیشگی او است که ما در ما کار کرده و ما را هدایت می‌کند تا جلال او نیز در ما نمایان شوند.

و اینک به زودی می‌آیم و اجرت من با من است تا هر کسی را بحسب اعمالش جزا دهم (مکاشفه ۱۲:۲۲).

بعد از این تاج عدالت برای من حاضر شده است که خداوند داویر عادل در آن روز به من خواهد داد؛ و نه به من فقط بلکه نیز به همه کسانی که ظهور او را دوست می‌دارند (دوم تیموتاوس ۸:۴).

به لحاظ مکان این داوری اول تسالونیکیان ۴: ۱۷ و متی ۲۵: ۲۴-۳۰ را ملاحظه نمایید.

### داوری ملت‌های مختلف

زمان: ظهور پُر جلال مسیح (متی ۲۵: ۳۱-۳۲؛ متی ۱۳: ۴۰-۴۱)

مکان: وادی یهوشافاط (یوئیل ۳: ۱-۲؛ ۱۲-۱۴)

نتیجه: عده ای نجات یافته و عده ای نیز از ظلف خواهند شد (متی

۴۶: ۲۵)

مبنی: آنانی را که خداوند «برادرانم» قلمداد می‌کند (متی ۲۵: ۴۰-۴۵؛ یوئیل ۳: ۳ و ۶-۷). ما ایمان داریم که این برادران به بقیت یهودیانی اشاره دارد که در دوران ویرانی بزرگ به مسیح ایمان خواهند آورد؛ در واقع بعد از این دوران است که کلیسا رو بوده شده و شاهد ظهور پُر جلال عیسی مسیح خواهیم شد (متی ۲۴: ۲۱-۲۲؛ مکاشفه ۷: ۱۴؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۳-۹). دلیل بر این مدعی بسیار گسترده تر از این است که در اینجا مطرح شود. آنچه مسلم است این است که برادران نمی‌تواند به ایمانداران این دوران اشاره کند. چرا که بسیار جهالت است که ایمانداران مسیحی محبت خدمت به عیسی را از دست داده باشند. همانطور که گفته شد داوری ملل زنده امری است که در حضور تخت سفید به انجام می‌رسد که در مکاشفه ۲۰: ۱۱ مطرح شده است. شاید بتوان مقایسه های زیر را از دو صحنه نشان داد.

ملت‌های زنده با موارد زیر طبقه بندی می‌شوند:

- \* قیامی وجود ندارد
- \* ملت های زنده داوری می‌شوند
- \* بر روی زمین
- \* هیچ کتابی وجود ندارد
- \* سه طبقه وجود دارند: گوسفندان، بزها، برادران
- \* زمان: به هنگام ظهور مسیح

تخت بزرگ سفید با مشخصه های زیر تعیین می‌شود:

- \* قیام وجود دارد
- \* مردگان داوری می‌شوند
- \* آسمانها و زمین از هم جدا می‌شوند
- \* کتابها باز می‌شوند
- \* یک طبقه وجود دارند: مردگان
- \* زمان: بعد از اینکه مسیح هزار سال بر زمین حکومت نمود

در داوری، مقدسین با مسیح همراه شده اند بنابراین نمی‌توانند مورد داوری قرار گیرند (اول قرن‌تیان ۶: ۲؛ دانیال ۷: ۲۲ یهودا ۱۴-۱۵).

در حقیقت، داوری تخت سفید و داوری امتهای زنده یک چیز مشترک وجود دارد و آن داور است.

### داوری مردگان شریر

زمان: روز مشخص بعد از هزار سال (اعمال ۱۷: ۳۱؛ مکاشفه ۲۰: ۵ و ۷).

مکان: در حضور تخت بزرگ. سفید خداوند (مکاشفه ۲۰: ۱۱).  
نتیجه: مکاشفه ۲۰: ۱۵

بعضی شاید از واژه «روز» در متونی چون اعمال ۱۷: ۳۱ و رومیان ۲: ۱۶؛ مشکل داشته باشند. متون زیر را بررسی نمایید ملاحظه خواهید نمود که «روز» اشاره به طول زمان دارد: دوم پطرس ۳: ۸؛ دوم قرن‌تیان ۶: ۲؛ یوحنا ۸: ۵۶. واژه «ساعت» در یوحنا ۵: ۲۵ به مدت ۱۸۰۰ سال است که به طول انجامیده است.

کتاب مقدس همچنین از داوری فرشتگان صحبت می‌کند (اول قرن‌تیان ۶: ۳؛ یهودا ۶؛ دوم پطرس ۲: ۴). آیه ۲۲: ۳۰ احتمالاً اشاره به داوری دارد که تحت حکومت الهی قرار دارد. این مقامی است فراتر از صرف سیستم قضایی (اشعیا ۱: ۲۶).



## ۶. شریعت و فیض

مهم ترین عامل جدا کننده کلام حقیقت میان شریعت و فیض است. در حقیقت، این مبانی بیانگر خصوصیات مهم این دو دوره می باشند؛ یهودیان و مسیحیان.

زیرا شریعت به وسیله موسی عطا شد، اما فیض و راستی به وسیله عیسی مسیح رسید (یوحنا ۱: ۱۷).

البته این بدان مفهوم نیست که قبل از موسی شریعتی وجود نداشت؛ و نه اینکه قبل از مسیح هیچ فیض و راستی وجود نداشت. منع آدم از خوردن میوه درخت نیک و بد (پیدایش ۲: ۱۷). این خود یک قانون و شریعت بود؛ اما قطعاً فیض خدا با پوشاندن مخلوقات گناهکار خود، به نحو زیباتری نمایان شد (پیدایش ۳: ۲۱). این خود نمونه زیبایی از کار مسیح است؛ لکن از او شما هستید در عیسی مسیح که از جانب خدا برای شما حکمت شده است و عدالت قدوسیت و فدا (اول قرنیتان ۱: ۳۰). شریعت، که مصداق مکاشفه اراده خدا و فیض مصداق مکاشفه نیکویی خداوند است همیشه وجود داشته است و اینرا کتاب مقدس همیشه اعلام می دارد. اما به کرات در کتاب مقدس اعلام شده است که شریعت بوسیله موسی داشته شده است؛ از واقعه کوه سینا تا جلجتا و به لحاظ زمانی مسلط بوده است. اما وقتی که دوران فیض از واقعه جلجتا آغاز شد که در آن فیض حکم فرما بوده است؛ خصوصیات دیگری را به این دوران داده است و با ربوده شدن کلیسا به پایان خواهد رسید.

مهم است بدانیم که در هر حالتی و در هر دورانی، کتاب مقدس هرگز این دو قاعده را با هم ادغام نمی کند. کار شریعت همیشه متفاوت و بر علیه فیض بوده است. شریعت به مفهوم منع ها و واجبات بوده است اما فیض مصداق بخشش بوده است. فیض خدمت مبارک خداوند است اما شریعت در نهایت خدمت محکوم کننده تلقی شده است. شریعت می کشد اما فیض زنده می کند. شریعت هر دهانی در

حضور خدا می‌بندد؛ در حالی که فیض هر دهانی را برای پرستش خدا باز می‌کند. شریعت بر اساس گناهان فاصله بزرگی را میان خدا و انسان می‌آفریند. شریعت، انسان گناهکار را به شکل سخت گیرانه ای در برابر خدا قرار می‌دهد. شریعت می‌گوید: «چشم به عوض چشم؛ دندانان به عوض دندان». فیض می‌گوید: «و هر که بر رخسار تو زند، دیگری را نیز به سوی او بگردان و کسی که ردای تو را بگیرد، قبا را نیز از او مضایقه مکن». «شریعت می‌گوید از دشمن خود تنفر داشته باش، درحالی که فیض می‌گوید دشمن خود را دوست داشته باش و برای او برکت طلب نما». شریعت می‌گوید: زندگی نکن، فیض می‌گوید: ایمان بیاور و حیات بیاب. شریعت خدمت بشارت ندارد اما فیض به هر مخلوقی بشارت می‌دهد. شریعت حتی آدمهای خوب را نیز محکوم می‌کند اما فیض بدترین انسانها را نیز عادل می‌شمارد (لوقا ۲۳: ۴۳؛ رومیان ۵: ۸؛ اول تیموتائوس ۱: ۱۵؛ اول قرنتیان ۶: ۹-۱۱). شریعت سیستم باید ها و نباید ها است، درحالی که فیض به رغبت دل تشویق می‌نماید. شریعت زناکار را سنگسار می‌نماید درحالی که فیض می‌گوید: «من نیز تورا محکوم نمی‌کنم برو دیگر گناه مکن». تحت شریعت گوسفند برای شبان کشته می‌شود اما تحت فیض شبان برای گوسفند قربانی می‌شود.

در هر جایی از کتاب مقدس شریعت و فیض بطور دقیقی از یکدیگر تمییز داده شده اند. ادغام کردن آنها که بخشی از تعلیم امروز شده است کار بسیار اشتباهی است چرا که جایگاه هر دو را از بین می‌برد. بهر حال لعنت شریعت از میان رفته و فیض آزادی را به ارمان رسانده است.

باید در نظر داشت که منظور از شریعت مطرح شده در عهد جدید همان شریعت عطا شده توسط موسی است (رومیان ۷: ۲۳). گاهی اوقات تمام شریعت (جنبه اخلاقی، ده فرمان، جنبه مراسمی). مد نظر است گاهی صرفاً فرامین آن اهمیت دارند؛ گاهی نیز جنبه مراسمی آن

از اهمیت برخوردارند. در میان اولین نمونه متون کلام، به رومیان ۶: ۱۴ و ۷: ۷-۱۲ می‌توان اشاره نمود. برای نمونه دوم، کولسیان ۲: ۱۴-۱۷ قرار دارند.

همچنین باید بیاد آورد که در شریعت مراسمی، شخصیت و خدمات عیسی مسیح، به عنوان کاهن و قربانی، پیشگویی شده‌اند؛ همچنین در خیمه (خروج ۲۵-۳۰). و خدمات لایوان نیز به این موضوع اشاره شده است؛ که تنها ذهن روحانی از آنها خرسند و متعجب می‌گردد.

عبارتها و تمثیلات مزامیر نیز به کار نجات بخش عیسی مسیح اشاره دارند: «اما اگر خدمت موت که در حرف بود و بر سنگها تراشیده شده با جلال می‌بود، بحدی که بنی اسرائیل نمیتوانستند صورت موسی را نظاره کنند به سبب جلال چهره او که فانی بود» (دوم قرنتیان ۳: ۷).

«بلکه رغبت او در شریعت خداوند است و روز و شب در شریعت او تفکر می‌کند» (مزامیر ۲: ۱).

«شریعت تو را چقدر دوست می‌دارم؛ تمامی روز تفکر من است» (مزامیر ۹۷: ۱۱۹).

۱. اندیشه ضد حکومتی (Antinomianism). انکار نمودن هر نوع حکومت و اقتداری بر حیات ایمانداران. این عقیده بر این اساس است که چون ایمانداران نجات یافته‌اند دیگر نیازی به زندگی پاک و مقدس وجود ندارد.

«مدعی معرفت خدا می‌باشند، اما به افعال خود او را انکار می‌کنند، چونکه مکروه و متمرّد هستند و بجهت هر عمل نیکو مردود» (تیطس ۱: ۱۶).

زیرا که بعضی از اشخاص در خفا آمده‌اند که از قدیم برای این قصاص مقرر شده بودند؛ مردمان بی دین که فیض خدای ما را به

فجور تبدیل نموده و عیسی مسیح آقای واحد و خداوند ما را انکار کرده اند (یهودا ۱: ۴).

۲. اندیشه مراسمی یا تشریفاتی (Ceremonialism). بر این اساس است که ایمانداران باید از روش لاویان الگو برداری نمایند. پیراوان این ایده معتقدند که انجام مراسم و تشریفات کلیسای در فرایند نجات مؤثر است.

و تنی چند از یهودیه آمده، برادران را تعلیم می دادند که «اگر برحسب آیین موسی مختون نشوید، ممکن نیست که نجات یابید. اعمال رسولان ۱: ۱۵»

۳. اندیشه غلاطیانی یا شریعت گرایی (Galatianism). ادغام نمودن شریعت در فیض حاصل کار این اندیشه است. بر این اساس عادل شمرده شدگی بخشی بر فیض و بخشی نیز بر شریعت استوار است. فیض کمک می کند که فرد گناهکار بتواند شریعت را به انجام رساند. جواب محکم و قاطع به این اشتباه الهیاتی رساله غلاطیان است.

«فقط این را می خواهیم از شما بفهمم که روح را از اعمال شریعت یافته اید یا از خبر ایمان؟ آیا اینقدر بی فهم هستید که به روح شروع کرده، الآن به جسم کامل می شوید؟» (غلاطیان ۳: ۲-۳).

تعجب می کنم که بدین زودی از آن کس که شما را به فیض مسیح خوانده است، بر می گردید به سوی انجیلی دیگر، که (انجیل). دیگر نیست. لکن بعضی هستند که شما را مضطرب می سازند و می خواهند انجیل مسیح را تبدیل نمایند. بلکه هرگاه ما هم یا فرشته ای از آسمان، انجیلی غیر از آنکه ما به آن بشارت دادیم به شما رساند، آناتیمای باد» (غلاطیان ۱: ۶-۸).

آیات زیر به عنوان فهرست تعالیم کلام راجع به قوانین اخلاقی اهمیت دارند که موضوعات مهمی را بیان می دارند.

### شریعت چیست؟

خلاصه شریعت مقدّس است و حکم مقدّس و عادل و نیکو (رومیان ۱۲:۷).

زیرا می‌دانیم که شریعت روحانی است، لکن من جسمانی و زیر گناه فروخته شده هستم (رومیان ۷:۱۴).

زیرا برحسب انسانیت باطنی به شریعت خدا خشنودم (رومیان ۲۲:۷).

لیکن می‌دانیم که شریعت نیکو است اگر کسی آن را برحسب شریعت بکار ببرد (اول تیموتائوس ۱:۸).

اما شریعت از ایمان نیست بلکه «آنکه به آنها عمل می‌کند، در آنها زیست خواهد نمود» (غلاطیان ۳:۱۲).

### استفاده شریعت گرایانه از شریعت

پس چه گوئیم؟ آیا شریعت گناه است؟ حاشا! بلکه گناه را جز به شریعت ندانستیم. زیرا که شهوت را نمی‌دانستیم، اگر شریعت نمی‌گفت که طمع مورز (رومیان ۷:۷).

پس آیا نیکویی برای من موت گردید؟ حاشا! بلکه گناه، تا گناه بودنش ظاهر شود. بوسیله نیکویی برای من باعث مرگ شد تا آنکه گناه به سبب حکم بغایت خبیث شود (رومیان ۷:۱۳).

از آنجا که به اعمال شریعت هیچ بشری در حضور او عادل شمرده نخواهد شد، چونکه از شریعت دانستن گناه است (رومیان ۳:۲۰).

پس شریعت چیست؟ برای تقصیرها بر آن افزوده شد تا هنگام آمدن آن نسلی که وعده بدو داده شد و بوسیله فرشتگان به دست متوسطی مرتّب گردید (غلاطیان ۳:۱۹).

الآن آگاه هستیم که آنچه شریعت می‌گوید، به اهل شریعت خطاب می‌کند تا هر دهانی بسته شود و تمام عالم زیرا قصاص خدا آیند (رومیان ۳:۱۹).

شریعت فقط یک زبان دارد و آن فقط زبان محکوم کننده است. «زیرا جمیع آنانی که از اعمال شریعت هستند، زیر لعنت می باشند زیرا مکتوب است: ملعون است هر که ثابت نماند در تمام نوشته های کتاب شریعت تا آنها را به جا آرد» (غلاطیان ۳: ۱۰).

زیرا هر که تمام شریعت را نگاه دارد و در یک جزو بلغزد، ملزم همه می باشد (یعقوب ۲: ۱۰).

اما اگر خدمت موت که در حرف بود و بر سنگها تراشیده شده با جلال می بود، بحدی که بنی اسرائیل نمی توانستند صورت موسی را نظاره کنند به سبب جلال چهره او که فانی بود دوم قرن تیان ۳: ۷.

زیرا هرگاه خدمت قصاص با جلال باشد، چند مرتبه زیادتر خدمت عدالت در جلال خواهد افزود (دوم قرن تیان ۳: ۹).

و من از قبل بدون شریعت زنده می بودم؛ لکن چون حکم آمد، گناه زنده گشت و من مردم (رومیان ۷: ۹).

نیش موت گناه است و قوت گناه، شریعت (اول قرن تیان ۱۵: ۵۶).  
پُر واضح است که هدف خدا از ارائه شریعت (یوحنا ۱: ۱۷؛ غلاطیان ۳: ۱۷). بر آن بود که فرد گناهکار، گناه خود را شناخته و برا آن دقیقاً واقف شود و درک کند که بدون کمک خداوند تا چه اندازه ضعیف و ناتوان است. تمام کار شریعت محکوم نمودن و حاصل آن موت است.

### آنچه شریعت نمی تواند انجام دهد

از آنجا که به اعمال شریعت هیچ بشری در حضور او عادل شمرده نخواهد شد، چونکه از شریعت دانستن گناه است (رومیان ۳: ۲۰).

اما چونکه یافتیم که هیچ کس از اعمال شریعت عادل شمرده نمی شود، بلکه به ایمان به عیسی مسیح، ما هم به مسیح عیسی ایمان آوردیم تا از ایمان به مسیح و نه از اعمال شریعت عادل شمرده شویم، زیرا که از اعمال شریعت هیچ بشری عادل شمرده نخواهد شد (غلاطیان ۲: ۱۶).

فیض خدا را باطل نمی‌سازم، زیرا اگر عدالت به شریعت می‌بود، هر آینه مسیح عبث مرد (غلاطیان ۲:۲۱).

«اما واضح است که هیچ کس در حضور خدا از شریعت عادل شمرده نمی‌شود، زیرا که عادل به ایمان زیست خواهد نمود» غلاطیان ۳:۱۱  
زیرا آنچه از شریعت محال بود، چونکه به سبب جسم ضعیف بود، خدا پسر خود را در شبیه جسم گناه و برای گناه فرستاده، بر گناه در جسم فتوا داد (رومیان ۸:۳).

و به وسیله او هر که ایمان آورد، عادل شمرده می‌شود، از هر چیزی که به شریعت موسی نتوانستید عادل شمرده شوید (اعمال رسولان ۱۳:۳۹).

از آن جهت که شریعت هیچ چیز را کامل نمی‌گرداند، و هم برآوردن امید نیکوتر که به آن تقرّب به خدا می‌جوئیم (عبرانیان ۱۹:۷).

### فرد ایماندار دیگر تحت شریعت قرار ندارد

رومیان باب ۶ بعد از اینکه آموزه همراه شدن مسیح در مرگ مسیح را مطرح می‌نماید که تعمیم نشان و سَمبلی از آن است (آیات ۱-۱۰). در آیه ۱۱ به اصولی می‌پردازد که باید بر رفتار ایمانداران حاکم باشد. ۱۲ آیه بهدی نیز به همین موضوع می‌پردازد. اما آیه ۱۴ قاعده بزرگی برای آزادی ما ارائه می‌دهد؛ نه فقط برای برطرف شدن جرم گناهان با خون عیسی مسیح، بلکه به جهت پیروزی بر اسارت‌های گناه در زندگی. «زیرا گناه بر شما سلطنت نخواهد کرد، چونکه زیر شریعت نیستید بلکه زیر فیض».

اما نباید این حقیقت ما را به اندیشه ضد حکومتی یا آزادی مطلق سوق دهد که مدعی است زندگی خدا پسندانه اهمیت ندارد. روح خدا در کلام می‌گوید: پس چه گوئیم؟ آیا گناه بکنیم از آنرو که زیر شریعت نیستیم بلکه زیر فیض؟ حاشا! (رومیان ۶:۱۵).

بطور قطع هر قلب تازه شده ای به این سخن آمین خواهد گفت. رومیان باب ۷ نیز قاعده دیگر است که نجات از شریعت را اعلام می‌نماید.

بنابراین، ای برادران من، شما نیز بوساطت جسد مسیح برای شریعت مرده شدید تا خود را به دیگری پیوندید، یعنی با او که از مردگان برخاست، تا بجهت خدا ثمر آوریم. زیرا وقتی که در جسم بودیم، هوسهای گناہانی که از شریعت بود، در اعضای ما عمل می‌کرد تا بجهت موت ثمر آوریم. اما الحال چون برای آن چیزی که در آن بسته بودیم مُردیم، از شریعت آزاد شدیم، بحدی که در تازگی روح بندگی می‌کنیم نه در کهنگی حرف (رومیان ۷: ۴-۶).

(این به جنبه مراسمی شریعت اشاره نمی‌کند؛ آیه ۷ را ملاحظه نمایید).

زانرو که من بواسطه شریعت نسبت به شریعت مُردم تا نسبت به خدا زیست کنم (غلاطیان ۲: ۱۹).

اما قبل از آمدن ایمان، زیر شریعت نگاه داشته بودیم و برای آن ایمانی که می‌بایست مکشوف شود، بسته شده بودیم. پس شریعت لالای ما شد تا به مسیح برساند تا از ایمان عادل شمرده شویم. لیکن چون ایمان آمد، دیگر زیر دست لالا نیستیم (غلاطیان ۳: ۲۳-۲۵).

لیکن می‌دانیم که شریعت نیکو است اگر کسی آن را برحسب شریعت بکار برد. و این بداند که شریعت بجهت عادل موضوع نمی‌شود، بلکه برای سرکشان و طاغیان و بی‌دینان و گناہکاران و ناپاکان و حرامکاران و قاتلان پدر و قاتلان مادر و قاتلان مردم (اول تیموتائوس ۱: ۸).

### نقش فرد ایماندار در زندگی چیست؟

هر که گوید که در وی می‌مانم، به همین طریقی که او سلوک می‌نمود، او نیز باید سلوک کند (اول یوحنا ۲: ۶).



از این امر محبت را دانسته ایم که او جان خود را در راه ما نهاد و ما باید جان خود را در راه برادران بنهیم (اول یوحنا ۱۶:۳).

ای محبوبان، استدعا دارم که چون غریبان و بیگانگان از شهوات جسمی که با نفس در نزاع هستند، اجتناب نمایید؛ اول پطرس ۲:۱۱؛ آیات ۱۲-۲۳ را ملاحظه نمایید.

لهمذا من که در خداوند اسیر می‌باشم، از شما استدعا دارم که به شایستگی آن دعوتی که به آن خوانده شده اید، رفتار کنید، با کمال فروتنی و تواضع و حلم، و متحمل یکدیگر در محبت باشید (افسیان ۴:۱-۲).

پس چون فرزندان عزیز به خدا اقتدا کنید. و در محبت رفتار نمایید، چنانکه مسیح هم ما را محبت نمود و خویشتن را برای ما به خدا هدیه و قربانی برای عطر خوشبوی گذرانید (افسیان ۱:۵).

افسیان ۸:۵ زیرا که پیشتر ظلمت بودید، لیکن الحال در خداوند، نور می‌باشید. پس چون فرزندان نور رفتار کنید.

پس باخبر باشید که چگونه به دقت رفتار نمایید، نه چون جاهلان بلکه چون حکیمان. و وقت را دریابید زیرا این روزها شریر است (افسیان ۵:۱۵-۱۶).

اما می‌گویم به روح رفتار کنید، پس شهوات جسم را بجا نخواهید آورد (غلاطیان ۵:۱۶).

زیرا به شما نمونه ای دادم تا چنانکه من با شما کردم، شما نیز بکنید (یوحنا ۱۳:۱۵).

اگر احکام مرا نگاه دارید، در محبت من خواهید ماند، چنانکه من احکام پدر خود را نگاه داشته ام و در محبت او می‌مانم (یوحنا ۱۰:۱۵).

این است حکم من که یکدیگر را محبت نمایید، همچنان که شما را محبت نمودم (یوحنا ۱۵:۱۲).

هر که احکام مرا دارد و آنها را حفظ کند، آن است که مرا محبت

می‌نماید؛ و آنکه مرا محبت می‌نماید، پدر من او را محبت خواهد نمود و من او را محبت خواهم نمود و خود را به او ظاهر خواهم ساخت (یوحنا ۱۴:۲۱).

و هر چه سؤال کنیم، از او می‌یابیم، از آنجهت که احکام او را نگاه می‌داریم و به آنچه پسندیده اوست، عمل می‌نماییم. و این است حکم او که به اسم پسر او عیسی مسیح ایمان آوریم و یکدیگر را محبت نماییم، چنانکه به ما امر فرمود. و هر که احکام او را نگاه دارد، در او ساکن است و او در وی؛ و از این می‌شناسیم که در ما ساکن است، یعنی از آن روح که به ما داده است (اول یوحنا ۳:۲۲).

این است آن عهدی که بعد از آن ایام با ایشان خواهم بست، خداوند می‌گوید احکام خود را در دلهای ایشان خواهم نهاد و بر ذهن ایشان مرقوم خواهم داشت (عبرانیان ۱۰:۱۶).

تمثیل زیبای این اصل را می‌توان در محبت زیبای مادر نسبت به فرزندش، مثال زد. قانون ایجاب می‌کند که والدین مراقب فرزندان خود باشند و در صورت بی‌توجهی با مجازات قانونی مواجه خواند شد. اما زمین پُر از مادرانی است که با اشتیاق وافر مراقب فرزندان خود هستند بدون اینکه بدانند چنین قانونی وجود دارد؛ درواقع شریعت در درون قلب آنها حک شده است.

باید خاطر نشان کرد که خداوند دستور داده بود تا لوح‌های ده فرمان همراه با اعصای موسی و اندکی از من آسمانی در ظرفی طلائی، در داخل تابوت عهد قرار گیرد (که اینها همه سَمْبُل مسیح به عنوان نان آسمانی در بیابان زندگی ما، قیام و فیض است). اینها همه در داخل محفظه ای طلائی پوشانده شده بود و بر این تابوت بود که خون کفار ریخته می‌شد. «که در آن بود مجمره زرین و تابوت شهادت که همه اطرافش به طلا آراسته بود؛ و در آن بود حقه طلا که بر از من بود و عصای هارون که شکوفه آورده بود و دو لوح عهد. و

بر زبر آن کروبیان جلال که بر تخت رحمت سایه گستر می‌بودند و الان جای تفصیل آنها نیست» (عبرانیان ۹: ۴-۵).

### فیض چیست؟

لیکن چون مهربانی و لطف نجات دهنده ما خدا ظاهر شد، نه به سبب اعمالی که ما به عدالت کرده بودیم، بلکه محض رحمت خود ما را نجات داد به غسل تولد تازه و تازگی ای که از روح القدس است (تیطس ۳: ۴-۵).

تا در عالم های آینده دولت بی نهایت فیض خود را به لطفی که بر ما در مسیح عیسی دارد ظاهر سازد (افسیان ۲: ۷).  
لکن خدا محبت خود را در ما ثابت می‌کند از اینکه هنگامی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد (رومیان ۵: ۸).

### هدف خدا از ابراز فیض چیست؟

زیرا که محض فیض نجات یافته اید، بوسیله ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خداست، و نه از اعمال تا هیچ کس فخر نکند (افسیان ۲: ۸-۹).

زیرا که فیض خدا که برای همه مردم نجات بخش است، ظاهر شده، ما را تأدیب می‌کند که بی دینی و شهوات دنیوی را ترک کرده، با خرد اندیشی و عدالت و دینداری در این جهان زیست کنیم. و آن امید مبارک و تجلی جلال خدای عظیم و نجات دهنده خود ما عیسی مسیح را انتظار کشیم (تیطس ۲: ۱۱-۱۳).

تا به فیض او عادل شمرده شده، وارث گردیم بحسب امید حیات جاودانی (تیطس ۳: ۷).

و به فیض او مجاناً عادل شمرده می‌شوند به وساطت آن فدیة ای که در عیسی مسیح است (رومیان ۳: ۲۴).

که به وساطت او دخول نیز یافته ایم بوسیله ایمان در آن فیضی که

در آن پایداریم و به امید جلال خدا فخر می‌نماییم (رومیان ۲:۵).  
و الحال ای برادران شما را به خدا و به کلام فیض او می‌سپارم  
که قادر است شما را بنا کند و در میان جمیع مقدسین شما را میراث  
بخشد (اعمال رسولان ۲۰:۳۲).

برای ستایش جلال فیض خود که ما را به آن مستفیض گردانید در  
آن حبیب. که در وی به سبب خون او فدیة یعنی آمرزش گناهان را  
به اندازه دولت فیض او یافته ایم (افسسیان ۱: ۶-۷).

پس با دلیری نزدیک به تخت فیض بیاییم و فیضی را حاصل کنیم  
که در وقت ضرورت (ما را) اعانت کند (عبرانیان ۴: ۱۶).

چه فیض عظیمی که نجات می‌دهد، بنا می‌کند، می‌پذیرد، نجات  
می‌دهد، ما را هم ارث با مسیح می‌سازد؛ قادر می‌سازد که در حضور  
خدا بایستیم؛ ما را قادر می‌سازد که به حضور تخت فیض برویم؛ ما  
را تعلیم می‌دهد که چطور زندگی کنیم؛ به ما امید مبارکی می‌بخشد!  
و همه اینها به یاد ما می‌آورد که نباید نسبت به انحراف این حقایق  
ساکت نشست!

و اگر از راه فیض است دیگر از اعمال نیست و گرنه فیض دیگر  
فیض نیست. اما اگر از اعمال است دیگر از فیض نیست والا عمل  
دیگر عمل نیست (رومیان ۶: ۱۱؛ رومیان ۳: ۱۶-۱۸؛ رومیان ۴: ۲۱-  
۳۱؛ غلاطیان: ۴: ۴-۵).

لکن برای کسی که عمل می‌کند، مزدش نه از راه فیض بلکه از راه  
طلب محسوب می‌شود. و اما کسی که عمل نکند، بلکه ایمان آورد به  
او که بی دینان را عادل می‌شمارد، ایمان او عدالت محسوب می‌شود  
(رومیان ۴: ۴-۵).

خلاصه ای برادران، فرزندان کنیز نیستیم بلکه از زنِ آزادییم  
(غلاطیان ۴: ۳۱).

زیرا تقرّب نجسته اید به کوهی که می‌توان لمس کرد و به آتش  
افروخته و نه به تاریکی و ظلمت و باد سخت، و نه به آواز کَرّنا

و صدای کلامی که شنوندگان، التماس کردند که آن کلام، دیگر بدیشان گفته نشود. زیرا که متحمل آن قدغن نتوانستند شد که اگر حیوانی نیز کوه را لمس کند، سنگسار یا به نیزه زده شود. و آن رؤیت بحدی ترسناک بود که موسی گفت: «بغایت ترسان و لرزانم» بلکه تقرّب جسته آید به جبل صهیون و شهر خدای حیّ یعنی اورشلیم سماوی و به جنود بی شماره از محفل فرشتگان و کلیسای نخستزادگانی که در آسمان مکتوبند و به خدای داور جمیع و به ارواح عادلان مُکَمَّل و به عیسی متوسّط عهد جدید و به خون پاشیده شده که متکلم است به معنی نیکوتر از خون هابیل (عبرانیان ۱۸:۱۲-۲۴).

در اینجا بحث بر جدا کردن کلام خدا از سینا تا قوانین اخلاقی نیست یا قوانین مراسمی نیست؛ چون ایمانداران هرگز در برابر آنها متعهد نمی‌باشند. جان بُنیان می‌گوید: «اکنون ایماندار با ایمان بر عیسی مسیح، با عدالتی مبارک احاطه شده اند؛ به نحوی که غرّش کوه سینا نیز نمی‌تواند اندکی در آن خللی وارد نماید. این همان عدالت خداوند فارق از شریعت است».

آیا چشمان ایماندارانی که همیشه سخنان خدای مقدس را شنیده اند و احکام او شکسته اند می‌توانند اینرا ببینند.

یعنی عدالت خدا که بوسیله ایمان به عیسی مسیح است، به همه و کلّ آنانی که ایمان آورند. زیرا که هیچ تفاوتی نیست، زیرا همه گناه کرده اند و از جلال خدا قاصر می‌باشند (رومیان ۳:۲۲).

در مسیح چنان نجات و فیضی فراهم است که کلام خدا می‌نویسد: زیرا اگر به زبان خود عیسی خداوند را اعتراف کنی و در دل خود ایمان آوری که خدا او را از مردگان برخیزانید، نجات خواهی یافت (رومیان ۱۰:۹).

زیرا که مسیح است انجام شریعت بجهت عدالت برای هر کس که ایمان آورد (رومیان ۱۰:۴).

## ۷. طبیعت دوگانه ایمانداران

کتاب مقدس به ما می‌آموزد هر شخصی که تولد دوبار می‌یابد صاحب دو نوع طبیعت می‌گردد: یکی بوسیله به دنیا آمدن طبیعی، که بطور کلی اصلاح ناپذیر و بد است، و دیگری طبیعتی تازه، که از تولدی تازه بوجود آمده، و این ذات خود خدا است، بنابراین بطور کلی نیکو است.

آیه های زیر روشن می‌کنند که خدا در مورد ماهیت کهنه انسان که همان جوهر آدم اول است چگونه می‌اندیشد: «اینک در معصیت سرشته شدم و مادرم در گناه به من آبیستن گردید» (مزمور ۵۱: ۵). دل از همه چیز فریبیده تر است و بسیار مریض است کیست که آن را بداند؟ (ارمیا ۱۷: ۹).

«چنانکه مکتوب است که کسی عادل نیست، یکی هم نی. کسی فهم نیست، کسی طالب خدا نیست. همه گمراه و جمیعاً باطل گردیده اند. نیکوکاری نیست یکی هم نی» (رومیان ۳: ۱۰-۱۲). خدا نمی‌گوید که غیر ایمانداران پاک و بی‌آلایش نیستند، و یا بی‌فرهنگ و ناتوان، و یا بد خلق و عبوس هستند، خدا نگفته که آنها دست و دلباز و یا حتی اهل مذهب نیستند. ولی او واضحاً می‌گوید که هیچ کس عادل نیست، و کسی خدا را نمی‌شناسد، و یا احدی طالب او نیست.

دانستن و قبول کردن دانش الهی در مورد طبیعت انسان یکی از دردآورترین تجربه ها می‌باشد، وقتی بفهمیم که دوستان خوش مشرب و با نزاکت ما، بطور مکرر وسواس و علاقه خود را برای انجام انواع تکالیف انسانی نشان می‌دهند، و برای مصیبت‌های نوع بشر همدردی و ترحم می‌نمایند، و برای حقوق انسانی با حرارت می‌ایستند، ولی در عین حال در مقابل کلام خدا بسیار سخت دل بوده و از قربانی شدن پسر او کاملاً بی‌خبر می‌باشند، و با جسارت و گستاخی الوهیت پسر خدا را به طرزی اهانت آمیز رد می‌کنند.

بانوی نیکو و بی آلیش از اینکه به همنوع خود دروغی بگوید خجالت کشیده و می ترسد، ولی هرروزه خدا را دروغگو می انگارد! (اول یوحنا ۱: ۱۰ و ۵: ۱۰). و این مشکل یعنی ستایش انسانیت بطور بسیار گسترده برای هزاران نفر از تریبون های مختلف در حال گسترش است.

در عهد قبل از طوفان نوح، واقعیت با آنچه که ظاهراً دیده می شد خیلی تکان دهنده بود. «و در آن ایام مردان تنومند در زمین بودند. و بعد از هنگامی که پسران خدا به دختران آدمیان در آمدند و آنها برای ایشان اولاد زاییدند، ایشان جبارانی بودند که در زمان سَلَف، مردان نامور شدند» (پیدایش ۶: ۴).

بنابراین اینطور به نظر می رسد که دنیا در حال پیشرفت خوبی است، و تکامل مستمری را می شود در آن مشاهده نمود، و نتیجه ظاهری ازدواج مقدسین با اهل دنیا می توانست هنوز هم نسل بشر را به قله های بلندتری ارتقا دهد. «و خداوند دید که شرارت انسان در زمین بسیار است، و هر تصور از خیالهای دل وی دائماً محض شرارت است» (پیدایش ۶: ۵).

«زیرا که از درون دل انسان صادر می شود، خیالات بد و زنا و فسق و قتل و دزدی و طمع و خباثت و مکر و شهوت پرستی و چشم بد و کفر و غرور و جهالت. تمامی این چیزهای بد از درون صادر می گردد و آدم را ناپاک می گرداند» (مرقس ۷: ۲۱-۲۳).

«اما انسان نفسانی امور روح خدا را نمی پذیرد زیرا که نزد او جهالت است و آنها را نمی تواند فهمید زیرا حکم آنها از روح می شود» (اول قرنتیان ۲: ۱۴).

«زانرو که تفکر جسم دشمنی خدا است، چونکه شریعت خدا را اطاعت نمی کند، زیرا نمی تواند هم بکند» (رومیان ۸: ۷).

«که در میان ایشان، همه ما نیز در شهوات جسمانی خود قبل از این زندگی می کردیم و هوسهای جسمانی و افکار خود را به عمل

می آوردیم و طبعاً فرزندان غضب بودیم، چنانکه دیگران» (افسیان ۲: ۳).

با توجه به این آیات معلوم می شود که انسان بی ایمان دارای ناتوانایی هایی به مراتب بیشتر از یک ایماندار می باشد. شاید او دارای خصوصیتی مانند فرهنگ بالا، دوست داشتنی و مهربان، سخاوتمند و یا مذهبی باشد. شاید در پرداخت قروض خود درستکار، حقیقت گو، سخت کوش، یا شوهری خوب و یا پدر خوبی باشد، و یا همه این ها را باهم داشته باشد، اما با این وجود، نمی تواند خدا را اطاعت کند، و او را راضی نماید، یا بشناسد. اما بر عکس یک ایماندار، در حالیکه هنوز هم طبیعت کهنه خود را دارا می باشد، طبیعتی که نه عوض شده و نه عوض خواهد شد، اما بعد «از اینکه خدا در او عدالت و پرهزگاری را خلق کرده»، ذاتی تازه دریافت داشته است. آیه های زیر نهاد و اصلیت انسان تازه را نشان خواهد داد.

خواهید دید که تولد دوباره یافتن یک خلقت است، و نه صرفاً تبدیل شدن، عوض کردن موجود قدیمی نیست، بلکه بوجود آوردن چیز تازه ای است. همانطور که با تولد جسمانی ذات انسانی به خود گرفته ایم، به همین طریق هم با دریافت طبیعت الهی خلقتی تازه به دست آورده ایم.

«آمین آمین به تو می گویم اگر کسی از سر نو مولود نشود، ملکوت خدا را نمی تواند دید» (یوحنا ۳: ۳).

«و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد، که نه از خون و نه از خواهش جسد و نه از خواهش مردم، بلکه از خدا تولد یافتند» (یوحنا ۱: ۱۲-۱۳).

«زیرا همگی شما بوسیله ایمان در مسیح عیسی، پسران خدا می باشید» (غلاطیان ۳: ۲۶).

آیات فوق بیان کننده موضوعی روشن از اصطلاح ظاهر نما و حق



به جانب امروزی و غیر کتاب مقدسی که اعتقاد دارد به «پدر بودن خدا برای کل جهان، و برادر بودن همه نوع بشر با هم دیگر» عبارتی خطرناک که نیمی از آن نادرست می‌باشد. چون تمام آنان که متولد شده اند فرزندان خدا محسوب نمی‌شوند بلکه تمام آنانی که تولد دوباره دارند عضو خانواده الهی می‌باشند. کتاب مقدس می‌گوید که آدم در حقیقت فرزند خدا بود، ولی در عین حال مشخص می‌نماید که شیث فرزند آدم بوده است (لوقا ۳: ۳۸).

«و انسانیت تازه را که به صورت خدا در عدالت و قدوسیّت حقیقی آفریده شده است بپوشید» (افسیان ۴: ۲۴).

«پس اگر کسی در مسیح باشد، خلقت تازه ای است؛ چیزهای کهنه درگذشت، اینک همه چیز تازه شده است» (دوم قرن تیان ۱۷: ۵).

«با مسیح مصلوب شده ام ولی زندگی می‌کنم لیکن نه من بعد از این، بلکه مسیح در من زندگی می‌کند. و زندگانی که الحال در جسم می‌کنم، به ایمان بر پسر خدا می‌کنم که مرا محبت نمود و خود را برای من داد» (غلاطیان ۲: ۲۰).

«که خدا اراده نمود تا بشناساند که چیست دولت جلال این سرّ در میان امتّ‌ها که آن مسیح در شما و امید جلال است» (کولسیان ۱: ۲۷).

«زیرا که مردید و زندگی شما با مسیح در خدا مخفی است. چون مسیح که زندگی ما است ظاهر شود، آنگاه شما هم با وی در جلال ظاهر خواهید شد» (کولسیان ۳: ۳-۴).

«که بوساطت آنها وعده‌های بی‌نهایت عظیم و گرانبها به ما داده شد تا شما به اینها شریک طبیعت الهی گردید و از فسادی که از شهوت در جهان است، خلاصی یابید» (دوم پطرس ۱: ۴).

«و اگر مسیح در شما است، جسم به سبب گناه مرده است و امّا روح، به سبب عدالت، حیات است» (رومیان ۸: ۱۰).

«و آن شهادت این است که خدا حیات جاودانی به ما داده است

و این حیات، در پسر اوست. آنکه پسر را دارد حیات را دارد و آنکه پسر خدا را ندارد، حیات را نیافته است» (اول یوحنا ۵: ۱۱-۱۲).  
 اما این طبیعت تازه الهی، که ذات خود مسیح است، در ایماندار همراه با طبیعت کهنه او زیست می‌نماید. و به همین دلیل است که پولس می‌تواند بگوید: «اما نه من بلکه این مسیح است که در من زندگی می‌نماید: و باز می‌گوید: من می‌دانم که در جسم من، چیز نیکویی وجود ندارد» (رومیان ۷: ۸). و ادامه می‌دهد «لهدا این شریعت را می‌یابم که وقتی که می‌خواهم نیکویی کنم بدی نزد من حاضر است» (رومیان ۷: ۲۱). ایوب این انسان کامل و نیکو گفت: «از خودم نفرت دارم» دانیال مرد نیکوی خدا گفت: آن زمان که جلال خدا را دیدم «خوش رویی من به تباهی تبدیل گشت».

بین این دو طبیعت ناسازگاری وجود دارد. در رومیان ۷: ۱۴-۲۵ نبرد بین «من» شائول قدیم و «من» پولس جدید را دقیقاً مطالعه نمائید. چنین تجربه ای از ناامیدی و سردرگمی در ایمانداران جدید وجود دارد. شادی اولیه ایمان آوردن فروکش کرده، انتظارات و آرزوهای تابناک او سرد و کم سو گشته است، و هراسان است که مبادا امیال و خواسته های قبلی جسم خود را دوباره باز یافت نماید، و به سوی شک و شبهه در اعتماد به خدا پیش می‌رود. و این می‌تواند به منزله ناامیدی و خطر محسوب شود.

بودن در جسم نمی‌تواند عذر موجه ای باشد که به خواهش های ی آن عمل نماییم، چون یاد گرفته ایم که «طبیعت کهنه ما بر صلیب عیسی می‌خکوب شده است»، و به نوعی ما «مرده ایم»، و خواننده شده ایم که بطور مستمر این موضوع رنج آور (مرده انگاشتن). را به سایر برادران ایماندار خود گوشزد نماییم. قدرتی که برای این عمل وجود دارد روح القدس است که در هر ایماندار ساکن می‌باشد و کار متبارک او این است که خواسته های جسم را تحت کنترل در آورد (اول قرنیتیان ۶: ۱۹). اما می‌گوییم به روح رفتار کنید، پس شهوات

جسم را بجا نخواهید آورد. زیرا خواهش جسم به خلاف روح است و خواهش روح به خلاف جسم؛ و این دو با یکدیگر منازعه می کنند بطوری که آنچه می خواهید نمی کنید (غلاطیان ۵: ۱۶-۱۷).

«زیرا اگر برحسب جسم زیست کنید، هر آینه خواهید مرد. لکن اگر افعال بدن را بوسیله روح بکشید، همانا خواهید زیست» (رومیان ۸: ۱۳). بنابراین، بجای برآورده کردن اجباری و یا اختیاری خواست طبیعت کهنه خود، بهتر است مشکل را به روح القدس محول نماییم.

فصل هفتم رومیان مشکلات و سختی هایی که یک شخص ایماندار با ذات کهنه خود دست به گریبان می باشد را بیان می نماید، و این مسئله به طور بسیار عمده ای با خود شخص سر و کار دارد. «می توانستم و نمی توانستم»، می توانم و نمی توانم این ها اعترافات و صداهای غم انگیزی است که از قلوب تعداد زیادی از مسیحیان امروزه طنین انداز می شوند. این موضوع در فصل هشتم نیز ادامه می یابد اما در این جا مسئله بطور بسیار آشکاری دیگر خصوصی نیست! و درد و عذاب در آن وجود ندارند، چون شخصیتی مانند پولس در آن غایب است، در اینجا مشکل واقعی بین «جسم» یعنی شائول طرسوسی و روح القدس می باشد. پولس پیروز شده و در آرامش به سر می برد (مشخص است که این مطلب غلبه شخص بر جسم را بیان می نماید، جسمی که خواهش های درونی و شرارت آمیز زیادی مانند شهوت، غرور، و خشم و غیره را در درون خود نهفته دارد، اینها وسوسه هایی هستند که فقط می توانیم به کمک مسیح کاهن اعظم بر آنها پیروز شویم).

با دقت به آیات زیر توجه نمائید: «زیرا این را می دانیم که انسانیت کهنه ما با او مصلوب شد تا جسد گناه معدوم گشته، دیگر گناه را بندگی نکنیم» (رومیان ۶: ۶).

«زیرا مختونان ما هستیم که خدا را در روح عبادت می کنیم و به مسیح عیسی فخر می کنیم و بر جسم اعتماد نداریم» (فیلیپیان ۳: ۳).

«زیرا که مرید و زندگی شما با مسیح در خدا مخفی است»  
(کولسیان ۳: ۳).  
«همچنین شما نیز خود را برای گناه مرده انگارید، اما برای خدا در مسیح عیسی زنده» (رومیان ۶: ۱۱).  
«بلکه عیسی مسیح خداوند را بپوشید و برای شهوات جسمانی تدارک نینید» (رومیان ۱۳: ۱۴).  
«بنابراین ای برادران، مدیون جسم نیستیم تا برحسب جسم زیست نماییم» (رومیان ۸: ۱۲).

## ۸. دیدگاه و نگرش ایمانداران

درست فهمیدن کتاب مقدس بخصوص رسالات در زندگی ایماندار بسیار با اهمیت می‌باشد، و این موضوع در وضعیت و قدم برداشتن او هم تفاوت زیادی خواهد داشت. اولین چیزی که نتیجه آن آشکار می‌گردد؛ کار کامل مسیح است که درست از همان لحظه ایمان آوردن مشهود و نمایان می‌شود. از این به بعد دیگر چیزی به عنوان و شایستگی ایماندار و هم چنین امنیت او در پیشگاه خدا افزوده نمی‌شود. و این جایگاه فقط از طریق ایمان به او عطا می‌شود، و اگر حتی او در زمره ضعیف‌ترین اشخاص هم بوده باشد، ولی به خداوند عیسی مسیح ایمانی راستین داشته باشد، دقیقاً همان مقام و منزلتی را خواهد داشت که مقدسین بر جسته داشته‌اند.

عنوان و جایگاه یاد شده را می‌توان از آیات زیرین بیشتر مشاهده نمود: و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد (یوحنا ۱: ۱۲).  
«هر که ایمان دارد که عیسی، مسیح است، از خدا مولود شده است؛ و هر که والد را محبت می‌نماید، مولود او را نیز محبت می‌نماید»  
(اول یوحنا ۵: ۱).

«و هرگاه فرزندانیم، وارثان هم هستیم یعنی وَرَثَه خدا و هم ارث با مسیح، اگر شریک مصیبت‌های او هستیم تا در جلال وی نیز شریک باشیم» (رومیان ۸: ۱۷).

«بجهت میراث بی فساد و بی آلایش و ناپژمرده که نگاه داشته شده است در آسمان برای شما، که به قوّت خدا محروس هستید به ایمان برای نجاتی که مهیا شده است تا در ایّام آخر ظاهر شود» (اول پطرس ۱: ۴-۵).

«که ما نیز در وی میراث او شده ایم، چنانکه پیش معین گشتیم برحسب قصد او که همه چیزها را موافق رأی اراده خود می‌کند» (افسیان ۱: ۱۱).

«ای حبیبان، الآن فرزندان خدا هستیم و هنوز ظاهر نشده است آنچه خواهیم بود؛ لکن می‌دانیم که چون او ظاهر شود، مانند او خواهیم بود زیرا او را چنانکه هست خواهیم دید» (اول یوحنا ۳: ۲).

«لکن شما قبیله برگزیده و کهنات ملوکانه و اَمّت مقدّس و قومی که ملک خاصّ خدا باشد هستید تا فضایل او را که شما را از ظلمت، به نور عجیب خود خوانده است، اعلام نمایید» (اول پطرس ۲: ۹).

«و از عیسی مسیح که شاهد امین و نخست زاده از مردگان و رئیس پادشاهان جهان است. مر او را که ما را محبت می‌نماید و ما را از گناهان ما به خون خود شست، و ما را نزد خدا و پدر خود پادشاهان و کهنه ساخت، او را جلال و توانایی باد تا ابدالآباد. آمین» (مکاشفه ۱: ۵-۶).

«و شما در وی تکمیل شده اید که سر تمامی ریاست و قدرت است» (کولسیان ۲: ۱۰).

«پس چونکه به ایمان عادل شمرده شدیم، نزد خدا سلامتی داریم بوساطت خداوند ما عیسی مسیح، که به وساطت او دخول نیز یافته ایم بوسیله ایمان در آن فیضی که در آن پایداریم و به امید جلال خدا فخر می‌نماییم» (رومیان ۵: ۱-۲).

«زیرا خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد، هلاک نگردد بلکه حیات جاودانی یابد» (یوحنا ۳:۱۶).

«این را نوشتم به شما که به اسم پسر خدا ایمان آورده اید تا بدانید که حیات جاودانی دارید و تا به اسم پسر خدا ایمان بیاورید» (اول یوحنا ۵:۱۳).

«پس ای برادران، چونکه به خون عیسی دلیری داریم تا به مکان اقدس داخل شویم» (عبرانیان ۱۰:۱۹).

«مبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح که ما را مبارک ساخت به هر برکت روحانی در جایهای آسمانی در مسیح» (افسیسیان ۳:۱).

«برای ستایش جلال فیض خود که ما را به آن مستفیض گردانید در آن حبیب» (افسیسیان ۶:۱).

«لیکن خدا که در رحمانیت، دولت‌مند است، از حیثیت محبت عظیم خود که با ما نمود، ما را نیز که در خطایا مرده بودیم با مسیح زنده گردانید، زیرا که محض فیض نجات یافته اید. و با او برخیزانید و در جایهای آسمانی در مسیح عیسی نشانید» (افسیسیان ۲:۴-۶).

«لیکن الحال در مسیح عیسی شما که در آن وقت دور بودید، به خون مسیح نزدیک شده اید» (افسیسیان ۲:۱۳).

«و در وی شما نیز چون کلام راستی، یعنی بشارت نجات خود را شنیدید، در وی چون ایمان آوردید، از روح قدوس وعده مختوم شدید» (افسیسیان ۱:۱۳).

«زیرا که جمیع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم» (اول قرنتیان ۱۲:۱۳).

«زانرو که اعضای بدن وی می‌باشیم، از جسم و از استخوانهای او» (افسیسیان ۵:۳۰).

«آیا نمی‌دانید که بدن شما هیكل روح القدس است؟» (اول قرنیتان ۱۹:۶).

هر یک از این موارد حیرت آور برای تک تک ایمانداران به عیسی مسیح صادق هستند. برای هیچ کدام از اجزای این فهرست مجلل گفته نشده است که برای بدست آوردنشان نیاز به دعا، کوشش در خدمت، رفتن به کلیسا، صدقه دادن، انکار نفس، زندگی مقدس یا هر کار خوب دیگری باشد. همه اینها هدیه خداوند بواسطه مسیح هستند در نتیجه به طور مساوی به ایمانداران تعلق دارند. وقتی زندانبان فیلیپی به عیسی مسیح ایمان آورد در همان لحظه فرزند خداوند خوانده شد و با مسیح هم میراث گردیده، جایگاه کاهن و پادشاه را بدست آورد و میراث نامتناهی، فنا ناپذیر و تمام نشدنی را صاحب گشت. به محض اینکه او با تمامی دل ایمان آورد و به زبان اقرار نمود که عیسی خداوند اوست از تمام چیزها عادل شمرده شد، در خداوند آرامش یافت، در فیض او استوار گشت و در جلال خداوند امید مطلق را یافت. او هدیه حیات ابدی را بدست آورد و با معیارهای مسیح بطور کامل پذیرفته شد و بوسیله روح القدس تایید گشت، روح القدسی که او را بدن مسیح یعنی هیكل خداوند می‌نامد. او به سرعت با عدالت خداوند پوشانیده شد (رومیان ۳:۲۲). با مسیح زنده گشت، با او صعود کرد و در جایهای آسمانی نشانده شد.

اینکه وضعیت واقعی این شخص چگونه بوده مسأله ای کاملاً جداس و مطمئناً این وضعیت از جایگاه عالی ای که زیر نور خداوند پیدا کرده بود فاصله بسیاری داشته است. همانطور که او بلافاصله جایگاه پادشاهی، کهنات و آسمانی بودن را بدست آورده در قدم هایی که بعداً گذاشته است به این سرعت این مقام ها را بدست نمی‌آورد. آیات زیر نشان می‌دهند که جایگاه و وضعیت دو مسأله کاملاً متمایز در کتاب مقدس هستند.

## جایگاه

پولس به اراده خدا رسول خوانده شده عیسی مسیح و سوستانیس برادر، به کلیسای خدا که در قرن شس است، از مقدسین در مسیح عیسی که برای تقدس خوانده شده اند، با همه کسانی که در هر جا نام خداوند ما عیسی مسیح را می خوانند که (خداوند). ما و (خداوند). ایشان است. فیض و سلامتی از جانب پدر ما خدا و عیسی مسیح خداوند بر شما باد. خدای خود را پیوسته شکر می کنم درباره شما برای آن فیض خدا که در مسیح عیسی به شما عطا شده است، زیرا شما از هر چیز در وی دولت مند شده اید، در هر کلام و در هر معرفت. چنانکه شهادت مسیح در شما استوار گردید، بحدی که در هیچ بخشش ناقص نیستید و منتظر مکاشفه خداوند ما عیسی مسیح می باشید. که او نیز شما را تا به آخر استوار خواهد فرمود تا در روز خداوند ما عیسی مسیح بی ملامت باشید. امین است خدایی که شما را به شراکت پسر خود عیسی مسیح خداوند ما خوانده است.

«و بعضی از شما چنین می بودید لکن غسل یافته و مقدس گردیده و عادل کرده شده اید به نام عیسی خداوند و به روح خدای ما» (اول قرن تیان ۱۱:۶).

«آیا نمی دانید که بدنهای شما اعضای مسیح است؟» (اول قرن تیان ۱۵:۶).

«عیسی در جواب وی گفت: «خوشابحال تو ای شمعون بن یونا! زیرا جسم و خون این را بر تو کشف نکرده، بلکه پدر من که در آسمان است» (متی ۱۷:۱۶).

«و پدر را شکرگزاری که ما را لایق بهره میراث مقدسان در نور گردانیده است، و ما را از قدرت ظلمت رهانیده، به ملکوت پسر محبت خود منتقل ساخت» (کولسیان ۱:۱۲-۱۳).



## جایگاه

«زیرا که ای برادران من، از اهل خانه خَلوئی درباره شما به من خبر رسید که نزاعها در میان شما پیدا شده است» (اول قرنتیان ۱: ۱۱).

و من ای برادران نتوانستم به شما سخن گویم چون روحانیان، بلکه چون جسمانیان و چون اطفال در مسیح.

«اما بعضی تکبر می کنند» (اول قرنتیان ۴: ۱۸).

«و شما فخر می کنید بلکه ماتم هم ندارید، چنانکه باید تا آن کسی که این عمل را کرد از میان شما بیرون شود» (اول قرنتیان ۵: ۲).

«بلکه الان شما را بالکلّه قصوری است که با یکدیگر مرافعه دارید. چرا بیشتر مظلوم نمی شوید و چرا بیشتر مغبون نمی شوید؟» (اول قرنتیان ۶: ۷).

«پس آیا اعضای مسیح را برداشته اعضای فاحشه گردانم؟» (اول قرنتیان ۶: ۱۵).

«اما او برگشته، پطرس را گفت: «دور شو از من ای شیطان زیرا که باعث لغزش من می باشی، زیرا نه امور الهی را بلکه امور انسانی را تفکر می کنی!» (متی ۱۶: ۲۳).

«لیکن الحال شما همه را ترک کنید، یعنی خشم و غیظ و بدخویی و بدگویی و فحش را از زبان خود.

به یکدیگر دروغ مگویید، چونکه انسانیت کهنه را با اعمالش از خود بیرون کرده اید (کولسیان ۳: ۸-۹).

شاگرد نباید از این دستور الهی و تحت فیض غافل شود که ابتدا بالاترین جایگاه ممکن به ایماندار داده می شود و سپس به او یادآوری می شود که بایستی این وضعیت را حفظ کند. مسکین را از مزبله بر می افرازد و با امیران مینشانند (اول سموئیل ۲: ۸). و سپس او را نصیحت می کند که همچنان امیر باقی بماند. برای مثال آیات زیر را بخوانید.

## جایگاه

«زیرا این را می دانیم که انسانیت کهنه ما با او مصلوب شد تا جسد گناه معدوم گشته، دیگر گناه را بندگی نکنیم» (رومیان ۶:۶).

«شما نور عالمید» (متی ۱۴:۵).

«که ما را نجات داد و به دعوت مقدس خواند نه به حسب اعمال ما بلکه برحسب اراده خود و آن فیضی که قبل از قدیم الایام در مسیح عیسی به ما عطا شد» (دوم تیموتائوس ۱:۹).

«و با او برخیزانید و در جایهای آسمانی در مسیح عیسی نشانید» (افسیان ۲:۶).

«چون مسیح که زندگی ما است ظاهر شود، آنگاه شما هم با وی در جلال ظاهر خواهید شد» (کولسیان ۳:۴).

«زیرا که پیشتر ظلمت بودید، لیکن الحال در خداوند، نور می باشید» (افسیان ۸:۵).

«زیرا جمیع شما پسران نور و پسران روز هستید، از شب و ظلمت نیستیم» (اول تسالونیکیان ۵:۵).

«زیرا خدا ما را تعیین نکرد برای غضب بلکه بجهت تحصیل نجات، بوسیله خداوند ما عیسی مسیح، که برای ما مرد تا خواه بیدار باشیم و خواه خوابیده، همراه وی زیست کنیم» (اول تسالونیکیان ۹:۵-۱۰).

«و به این اراده مقدس شده ایم، به قربانی جسد عیسی مسیح، یک مرتبه فقط» (عبرانیان ۱۰:۱۰).

«لکن از او شما هستید در عیسی مسیح که از جانب خدا برای شما حکمت شده است و.. قدوسیّت» (اول قرنتیان ۱:۳۰).

«از آنرو که به یک قربانی مقدسان را کامل گردانیده است تا ابدالآباد» (عبرانیان ۱۰:۱۴).

«پس جمیع ما که کامل هستیم، این فکر داشته باشیم و اگر فی الجمله فکر دیگر دارید» (فیلیپیان ۳:۱۵).

«محبّت در همین با ما کامل شده است تا در روز جزا ما را دلاوری باشد، زیرا چنانکه او هست، ما نیز در این جهان همچنین هستیم» (اول یوحنا ۴:۱۷).

#### STATE

«چونکه با مسیح از اصول دنیوی مردید، چگونه است که مثل زندگان در دنیا بر شما فرایض نهاده می شود؟» (کولسیان ۲:۲۰).  
«همچنین بگذارید نور شما بر مردم بتابد تا اعمال نیکوی شما را دیده، پدر شما را که در آسمان است تمجید نمایند» (متی ۱۶:۵).

«پس ای عزیزان من چنانکه همیشه مطیع می بودید، نه در حضور من فقط بلکه بسیار زیادتر الآن وقتی که غایم، نجات خود را به ترس و لرز بعمل آورید» (فیلیپیان ۲:۱۲).

«پس چون با مسیح برخیزانیده شدید، آنچه را که در بالا است بطلبید در آنجایی که مسیح است، به دست راست خدا نشسته» (کولسیان ۱:۳).

«پس اعضای خود را که بر زمین است مقتول سازید» (کولسیان ۵:۳).

«پس چون فرزندان نور رفتار کنید» (افسیان ۸:۵).  
«بنابراین مثل دیگران به خواب نرویم بلکه بیدار و هشیار باشیم» (اول تسالونیکیان ۵:۶).

«پس همدیگر را تسلی دهید و یکدیگر را بنا کنید، چنانکه هم می کنید» (اول تسالونیکیان ۱۱:۵).

«ایشان را به راستی خود تقدیس نما. کلام تو راستی است» (یوحنا ۱۷:۱۷).

«اما خود خدای سلامتی، شما را بالکل مقدّس گرداناد» (اول تسالونیکیان ۵:۲۳).

«نه اینکه تا به حال به چنگ آورده یا تا بحال کامل شده باشیم»

(فیلیپیان ۳:۱۲).

«بنابراین، از کلام ابتدای مسیح در گذشته، به سوی کمال سبقت بجوئیم» (عبرانیان ۶:۱).

«هر که گوید که در وی می‌مانم، به همین طریقی که او سلوک می‌نمود، او نیز باید سلوک کند» (اول یوحنا ۲:۶).

هر شاگردی قادر خواهد بود تا لیست بزرگی از این مقایسه‌ها که نشان می‌دهند کتاب مقدس بین جایگاه و وضعیت یک ایماندار فرق گذاشته است تشکیل دهد. دیده خواهد شد که او تحت این آزمایش نیست که ببیند آیا شایسته این موقعیت عالی هست یا نه بلکه شروع به اعتراف عدم شایستگی خود کرده و این خود جایگاه عالی را بواسطه کار مسیح به او می‌دهد. از نظر مقام او «برای همیشه کامل» است (عبرانیان ۱۰:۱۴). اما با توجه به وضعیت خویش باید بگوید «نه اینکه تا به حال به چنگ آورده یا تا بحال کامل شده باشم» (فیلیپیان ۳:۱۲).

ممکن است گفته شود که تمام کارهایی را که خداوند بعداً برای او انجام می‌دهد، کاربردهایی را که از کلام در رفتار و افکار او اتفاق می‌افتد (یوحنا ۱۷:۱۷ و افسسیان ۵:۲۶). تأدیب از پدر (عبرانیان ۱۲:۱۰ و اول قرن‌تیاں ۱۱:۳۲). خدمت روح (افسسیان ۴:۱۱-۱۲). مشکلات و تجارب در راه بیابان (اول پطرس ۴:۱۲-۱۴). و تغییر نهایی که با ظهور او اتفاق می‌افتد (اول یوحنا ۳:۲). همگی اینها برای رساندن شخصیت ایماندار به جایگاهی است که در لحظه ایمان آوردن به آن رسیده است. به واقع او در فیض رشد می‌کند و نه درون فیض.

یک شاهزاده زمانی که هنوز کودک است انتظار می‌رود که مانند سایر کودکان خودسر و جاهل باشد. بعضی اوقات ممکن است خیلی مطیع، درس آموز و مهربان شود و در نتیجه آن شاد و موافق گردد و بعضی اوقات هم ممکن است سرکش، خود رأی و نافرمان شود و در نتیجه آن غمگین گشته و احتمالاً تنبیه گردد. اما او هر روز که می‌گذرد شاهزاده تر می‌گردد. امید است که با گذشت زمان او یاد

بگیرد که خود را در پیروی از هر راه راستی مطیع و متمایل نگاه دارد و به دنبال آن بر شاهزادگی او افزوده می‌شود نه اینکه او را تبدیل به شاهزاده کند. او از ابتدا شاهزاده متولد شده است. هر کسی که براستی فرزند پادشاه پادشاهان و خدای خدایان باشد مطمئناً رشد در پادشاهی برایش وجود دارد. در پایان جایگاه و وضعیت، شخصیت و مقام با هم یکسان خواهند بود. اما مقام پاداش، شخصیت کامل نیست بلکه شخصیت بوسیله مقام شکل می‌گیرد.

## ۹. نجات و پاداش

عهد جدید دربردارنده عقیده ای راجع به نجات گناه کاران گم شده و عقیده ای درباره پاداش خادمان وفاداری که نجات یافته اند می‌باشد. و فهمیدن درست کلام و اینکه شاگرد بتواند بین اینها تمایز برقرار کند از اهمیت زیادی برخوردار است. با توجه به تفاوت‌هایی که در پایین آورده ایم چه تمایزی بین آنها دیده می‌شود.

### نجات هدیه ای رایگان است

«عیسی در جواب او گفت: «اگر بخشش خدا را می‌دانستی و کیست که به تو می‌گوید آب به من بده، هرآینه تو از او خواهش می‌کردی و به تو آب زنده عطا می‌کرد» (یوحنا ۴: ۱۰).

«ای جمیع تشنگان نزد آبها بیایید، و همه شما که نقره ندارید بیایید بخرید و بخورید. بیایید و شراب و شیر را بی نقره و بی قیمت بخرید» (اشعیا ۵۵: ۱).

«و روح و عروس می‌گویند: «بیا!» و هر که می‌شنود بگوید: «بیا!» و هر که تشنه باشد، بیاید و هر که خواهش دارد، از آب حیات بی قیمت بگیرد» (مکاشفه ۲۲: ۱۷).

«زیرا که مزد گناه موت است، اما نعمت خدا حیات جاودانی در خداوند ما عیسی مسیح» (رومیان ۶: ۲۳).

«زیرا که محض فیض نجات یافته اید، بوسیله ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خداست، و نه از اعمال تا هیچ کس فخر نکند» (افسیسیان ۲: ۸-۹).

اما بر خلاف نجات که بی قیمت داده می شود خدماتی که خداوند را خشنود می سازند پاداش دارند.

### پاداش خدماتی که خدا را خشنود می کنند باید داده شود

«و هر که یکی از این صغار را کاسه ای از آب سرد محض نام شاگرد نوشاند، هرآینه به شما می گویم اجر خود را ضایع نخواهد ساخت» (متی ۱۰: ۴۲).

«به جنگ نیکو جنگ کرده ام و دوره خود را به کمال رسانیده، ایمان را محفوظ داشته ام. بعد از این تاج عدالت برای من حاضر شده است» (دوم تیموتائوس ۴: ۷-۸).

«و اینک به زودی می آیم و اجرت من با من است تا هر کسی را بحسب اعمالش جزا دهم» (مکاشفه ۲۲: ۱۲).

«آیا نمی دانید آنانی که در می دان می دوند، همه می دوند لکن یک نفر انعام را می برد. به اینطور شما بدوید تا به کمال ببرید. و هرکه ورزش کند در هر چیز ریاضت می کشد؛ اما ایشان تا تاج فانی را بیابند لکن ما تاج غیرفانی را» (اول قرنثیان ۹: ۲۴-۲۵).

«بدو گفت، آفرین ای غلام نیکو؛ چونکه بر چیز کم امین بودی، بر ده شهر حاکم شو» (لوقا ۱۹: ۱۷).

«زیرا بنیادی دیگر هیچ کس نمیتواند نهاد جز آنکه نهاده شده است، یعنی عیسی مسیح. لکن اگر کسی بر آن بنیاد، عمارتی از طلا یا نقره یا جواهر یا چوب یا گیاه یا کاه بنا کند، کار هرکس آشکار خواهد شد، زیرا که آن روز آن را ظاهر خواهد نمود، چونکه آن به آتش به ظهور

خواهد رسید و خود آتش، عمل هرکس را خواهد آزمود که چگونه است. اگر کاری که کسی بر آن گذارده باشد بماند، اجر خواهد یافت. و اگر عمل کسی سوخته شود، زیان بدو وارد آید، هرچند خود نجات یابد اما چنانکه از میان آتش» (اول قرنطیان ۳: ۱۱-۱۵).

«از آن زحماتی که خواهی کشید مترس! اینک ابلیس بعضی از شما را در زندان خواهد انداخت تا تجربه کرده شوید و مدت ده روز زحمت خواهید کشید. لکن تا به مرگ امین باش تا تاج حیات را به تو دهم» (مکاشفه ۲: ۱۰). دغدغه این شخص مقدس در ازمیر وجود حیات نیست چرا که او حیات جاودانی دارد بلکه دغدغه او به خاطر جستجوی عدالت است اما تاج حیات را بایستی دریافت کنند.

تاج نشانه پاداش و امتیازی است که بدست می آید. می توان گفت که در کتاب مقدس به چهار تاج اشاره شده است. شادی و سرور، پاداش خدمت است (فیلیپیان ۴: ۱ و تسالونیکیان ۲: ۱۹). عدالت، پاداش وفاداری در شهادت است (دوم تیموتائوس ۴: ۸). حیات، پاداش استقامت در تجربه است (یعقوب ۱: ۱۲ و مکاشفه ۲: ۱۰). جلال، پاداش تحمل سختی هاست (اول پطرس ۵: ۴ و عبرانیان ۲: ۹).

### نجات هدیه ای است که هم اکنون داریم

«آنکه به پسر ایمان آورده باشد، حیات جاودانی دارد و آنکه به پسر ایمان نیاورد حیات را نخواهد دید، بلکه غضب خدا بر او می ماند» (یوحنا ۳: ۳۶).

«آمین آمین به شما می گویم که ساعتی می آید بلکه اکنون است که مردگان آواز پسر خدا را می شنوند و هر که بشنود زنده گردد» (یوحنا ۵: ۲۴).

«آمین آمین به شما می گویم هر که به من ایمان آرد، حیات جاودانی دارد» (یوحنا ۶: ۴۷).

«که ما را نجات داد و به دعوت مقدس خواند نه به حسب اعمال ما بلکه برحسب اراده خود و آن فیضی که قبل از قدیم الایام در مسیح عیسی به ما عطا شد» (دوم تیموتائوس ۱: ۹).  
«پس به آن زن گفت: «ایمانت تو را نجات داده است. به سلامتی روانه شو» (لوقا ۷: ۵۰).

«نه به سبب اعمالی که ما به عدالت کرده بودیم، بلکه محض رحمت خود ما را نجات داد به غسل تولد تازه و تازگی ای که از روح القدس است» (تیتوس ۳: ۵).  
«پس از او پرسیدند: «کیست آنکه به تو گفت، بستر خود را بردار و برو؟» (یوحنا ۵: ۱۱).  
اما این پاداش ها، پاداشی هستند که در آینده خواهیم یافت.

### پاداشهایی که در آینده بخشیده خواهند شد

«زیرا که پسر انسان خواهد آمد در جلال پدر خویش به اتفاق ملائکه خود و در آن وقت هر کسی را موافق اعمالش جزا خواهد داد» (متی ۱۶: ۲۷).

«که خجسته خواهی بود زیرا ندارند که تو را عوض دهند و در قیامت عادلان، به تو جزا عطا خواهد شد» (لوقا ۱۴: ۱۴).

«و اینک به زودی می آیم و اجرت من با من است تا هر کسی را بحسب اعمالش جزا دهم» (مکاشفه ۲۲: ۱۲).

«تا در وقتی که رئیس شبانان ظاهر شود، تاج ناپژمرده جلال را بیابید» (اول پطرس ۵: ۴).

«بعد از این تاج عدالت برای من حاضر شده است که خداوند داور عادل در آن روز به من خواهد داد؛ و نه به من فقط بلکه نیز به همه کسانی که ظهور او را دوست می دارند» (دوم تیموتائوس ۴: ۸).

«و بعد از مدت مدیدی، آقای آن غلامان آمده، از ایشان حساب خواست» (متی ۱۹: ۲۵).



هدف خداوند از اینکه به مقدسان وفادار خود وعده های آسمانی و ابدی می دهد این است که آنها را از گرفتار شدن در لذات و ثروتهای زمینی حفظ کند تا اینکه آنها را در آتش جفا نگاه داشته و تشویق کند که پرهیزگاری مسیحی خود را تقویت کنند. «در نتیجه اجاز دهید که به این هشدارها اعتنا کنیم» (مکاشفه ۱۱:۳). (به دانیال ۳:۱۲؛ متی ۵:۱۱-۱۲؛ متی ۱۰:۴۱-۴۲؛ لوقا ۱۲:۳۵-۳۷؛ لوقا ۱۴:۱۲ و ۱۴؛ یوحنا ۴:۳۵-۳۶؛ کولسیان ۳:۲۲-۲۴؛ دوم تیموتائوس ۴:۸؛ عبرانیان ۶:۱۰؛ عبرانیان ۸:۱۱-۱۰ و ۲۴-۲۷؛ عبرانیان ۱۲:۲-۳ مراجعه کنید).

### ۱۰. ایمانداران و شاهدان

از قدیم کسانی بودند که از خداوند جدا شدند، این اشخاص از حضور کسانی رنج می بردند که اظهار می کردند به خداوند تعلق دارند ولی در حقیقت اینگونه نبود و این امر ادامه می یابد تا اینکه «پسر انسان ملائکه خود را فرستاده، همه لغزش دهندگان و بدکاران را جمع خواهند کرد، و ایشان را به تنور آتش خواهند انداخت، جایی که گریه و فشار دندان بود. آنگاه عادلان در ملکوت پدر خود مثل آفتاب، درخشان خواهند شد. هر که گوش شنوا دارد بشنود» (متی ۱۳:۴۱-۴۳).

کلام خداوند بطور واضح از این مغالطه صحبت می کند که در آن معلمین به ظاهر عالم و ایمانداران واقعی ترکیب می شوند. بطوری که شاگردان گمراه شده مدام به فرزندان خداوند هشدار داده و از ابزار نصیحت استفاده می کنند و تنها دلیل آن خود فریبی یا دورویی است (چگونگی این ترکیب به وفور در کتاب مقدس دیده می شود: پیدایش ۴:۳-۵؛ خروج ۱۲:۳۸؛ اعداد ۱۱:۴-۶؛ نحمیا ۷:۶۳ و ۶۵ و ۱۳:

۱-۳؛ متی ۱۳: ۲۴-۳۰؛ دوم قرن‌تیاں ۱۱: ۱۳-۱۵؛ غلاطیان ۲: ۴؛ دوم پطرس ۱- ۲:۲).

رجوع به تمام آیاتی که بین ایمانداران حقیقی و خیل جماعتی که ظاهراً ایماندار، ریاکار و یا اشخاص مذهبی فریبکار که به جای کار کردن بر روی نجاتی که قبلاً هدیه گرفته اند بر نجاتی که در ذهن خود درست کرده اند تلاش می‌کنند، با یک نگاه اجمالی به کتاب مقدس امکان پذیر نیست (به فیلیپیان ۲: ۱۲-۱۳ و افسسیان ۲: ۸-۹ مراجعه کنید). مقایسه‌هایی که در زیر آمده اند در حد کفایت این مرزبندی‌ها را نشان می‌دهند.

ایمانداران نجات یافته‌اند؛ معلمین دروغین از دست رفته‌اند

### ایمانداران واقعی

«پس به آن زن گفت: «ایمانت تو را نجات داده است. به سلامتی روانه شو» (لوقا ۷: ۵۰).

«و در تعلیم رسولان و مشارکت ایشان و شکستن نان و دعاها مواظبت می‌نمودند» (اعمال ۲: ۴۲).

«گوسفندان من آواز مرا می‌شنوند و من آنها را می‌شناسم و مرا متابعت می‌کنند. و من به آنها حیات جاودانی می‌دهم و تا به ابد هلاک نخواهند شد و هیچ کس آنها را از دست من نخواهد گرفت. پدری که به من داد از همه بزرگتر است و کسی نمی‌تواند از دست پدر من بگیرد» (یوحنا ۱۰: ۲۷-۲۹).

«هر آنچه پدر به من عطا کند، به جانب من آید و هر که به جانب من آید، او را بیرون نخواهم نمود. و اراده پدری که مرا فرستاد این است که از آنچه به من عطا کرد، چیزی تلف نکنم بلکه در روز بازپسین آن را برخیزانم» (یوحنا ۶: ۳۷ و ۳۹).

«و در حینی که ایشان بجهت خرید می‌رفتند، دامادبرسید و آنانی

که حاضر بودند، با وی به عروسی داخل شده، در بسته گردید» (متی ۱۰:۲۵).

«یعنی عدالت خدا که بوسیله ایمان به عیسی مسیح است، به همه و کل آنانی که ایمان آورند. زیرا که هیچ تفاوتی نیست» (رومیان ۳:۲۲).  
«شادی و وجد نماییم و او را تمجید کنیم زیرا که نکاح بره رسیده است و عروس او خود را حاضر ساخته است. و به او داده شد که به کتان پاک و روشن خود را بپوشاند، زیرا که آن کتان عدالت‌های مقدسین است» (مکاشفه ۷:۱۹-۸).

«من شبان نیکو هستم و خاصان خود را می‌شناسم و خاصان من مرا می‌شناسند» (یوحنا ۱۰:۱۴).

«و لیکن بنیاد ثابت خدا قائم است و این مهر را دارد که «خداوند کسان خود را می‌شناسد» و «هرکه نام مسیح را خواند، از ناراستی کناره جوید» (دوم تیموتائوس ۲:۱۹).

«آمین آمین به شما می‌گویم هر که به من ایمان آرد، حیات جاودانی دارد» (یوحنا ۶:۴۷).

«ای پدر می‌خواهم آنانی که به من داده ای با من باشند در جایی که من می‌باشم تا جلال مرا که به من داده ای ببینند، زیرا که مرا پیش از بنای جهان محبت نمودی» (یوحنا ۱۷:۲۴).

«چونکه به این اعتماد دارم که او که عمل نیکو را در شما شروع کرد، آن را تا روز عیسی مسیح به کمال خواهد رسانید» (فیلیپیان ۶:۱).

«لکن ما از مرتدان نیستیم تا هلاک شویم، بلکه از ایمانداران تا جان خود را دریابیم» (عبرانیان ۱۰:۳۹).

## مدعیان

«و شمعون نیز خود ایمان آورد و چون تعمید یافت همواره با فیلیپس می‌بود و از دیدن آیات و قوات عظیمه که از او ظاهر می‌شد،

در حیرت افتاد.. تو را در این امر، قسمت و بهره ای نیست زیرا که دلت در حضور خدا راست نمی‌باشد» (اعمال ۸: ۱۳ و ۲۱).

«از ما بیرون شدند، لکن از ما نبودند، زیرا اگر از ما می‌بودند با ما می‌ماندند؛ لکن بیرون رفتند تا ظاهر شود که همه ایشان از ما نیستند» (اول یوحنا ۲: ۱۹).

«ولیکن بعضی از شما هستند که ایمان نمی‌آورند» زیرا که عیسی از ابتدا می‌دانست کیانند که ایمان نمی‌آورند و کیست که او را تسلیم خواهد کرد. پس گفت: «از این سبب به شما گفتم که کسی نزد من نمی‌تواند آمد مگر آنکه پدر من، آن را بدو عطا کند» در همان وقت بسیاری از شاگردان او برگشته، دیگر با او همراهی نکردند (یوحنا ۶: ۶۴-۶۶).

«بعد از آن، باکره‌های دیگر نیز آمده، گفتند: «خداوندا برای ما باز کن» او در جواب گفت: «هرآینه به شما می‌گویم شما را نمی‌شناسم» (متی ۱۱: ۲۵-۱۲).

«همچنین شما نیز ظاهراً به مردم عادل می‌نمایید، لیکن باطنا از ریاکاری و شرارت مملو هستید. ای ماران و افعی زادگان! چگونه از عذاب جهنم فرار خواهید کرد؟» (متی ۲۳: ۲۸ و ۳۳).

«بسا در آن روز مرا خواهند گفت: «خداوندا، خداوندا، آیا به نام تو نبوت نمودیم و به اسم تو دیوها را اخراج نکردیم و به نام تو معجزات بسیار ظاهر نساختم؟» آنگاه به ایشان صریحاً خواهم گفت که «هرگز شما را نشناختم! ای بدکاران از من دور شوید!» (متی ۲۲: ۲۳-۲۲: ۷).

«ای برادران من، چه سود دارد اگر کسی گوید: «ایمان دارم» وقتی که عمل ندارد؟ آیا ایمان می‌تواند او را نجات بخشد؟» (یعقوب ۱۴: ۲).

«زیرا آنانی که یک بار منور گشتند و لذت عطای سماوی را چشیدند و شریک روح القدس گردیدند و لذت کلام نیکوی خدا و

قوات عالم آینده را چشیدند، اگر بیفتند، محال است که ایشان را بار دیگر برای توبه تازه سازند، در حالتی که پسر خدا را برای خود باز مصلوب می‌کنند و او را بی حرمت می‌سازند» (عبرانیان ۶: ۴-۶).  
«لکن عادل به ایمان زیست خواهد نمود و اگر مرتد شود نفس من با وی خوش نخواهد شد» (عبرانیان ۱۰: ۳۸).

ایمانداران پاداش گرفته و مدعیان محکوم می‌گردند.  
مقایسه کنید:

\* متی ۱۹: ۲۳-۲۴: ۲۵ با متی ۲۵: ۲۴-۳۰

\* لوقا ۱۲: ۴۲-۴۴ با لوقا ۱۲: ۴۵-۴۷

\* کولسیان ۳: ۲۴ با متی ۷: ۲۲-۲۳

درک بعضی از قسمت های کتاب مقدس دشوار است اما با دعا و مطالعه مطمئناً برایتان آشکار خواهند شد اما همواره باید یک قانون را در ذهن داشته باشید: هرگز نوشته ای را که مبهم است یا اینکه نسبت به آن مشکوک هستید برای نقض نوشته واضح و مثبت به کار نبرید. هرگز «اگر» را برای نقض «آمین» به کار نبرید: عبرانیان ۶: ۶ ناقض یوحنا ۵: ۲۴ است.

در مورد یهودای اسخریوطی و پطرس هیچ مشکلی وجود ندارد. یهودا هرگز یک ایماندار نبود (به یوحنا ۶: ۶۸-۷۱ مراجعه کنید). پطرس در ایماندار بودن هرگز کوتاهی نکرد (لوقا ۲۲: ۳۱-۳۲). باید به خاطر داشت که این قوانین تنها برای تقسیم درست کلام خداوند است و نباید برای انسانها بکار برده شود. داوری معلمین شامل ما نمی‌شود اما برای پسر انسان این حق محفوظ است.





